

پیکار جوانان

نشریه عمومی

جنبش انقلابی جوانان افغانستان



Second Round - Issue No.31 - June 2018 - Afghanistan Revolutionary Movement of Youth (ARMY)

جوزای ۱۳۹۷ (جون ۲۰۱۸)

شماره (۳۱)

دور دوم

نیاز به شتاب،

در جبران عقب ماندگی از شرایط عینی همچنان مشهود است!

صفحه ۲

رای ندهید!

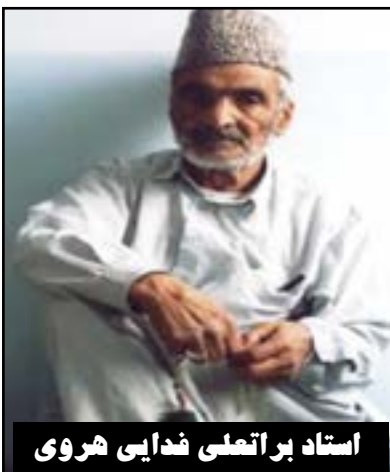
انتخابات پارلمانی و شوراهای ولسوالی‌ها را قاطعانه تحریم کنید!

مقاومت ملی مردمی و انقلابی را شگوفاتر سازید! صفحه ۳

رایه مه ور کوی!

دولسی جرگی او ولسوالیو شوراگانو ټاکنی په غوڅ ډول تحریم کړی!

ملی او ولسی او انقلابی مقاومت لاپرو غوړوی! ۵ مخ



استاد براتعلی فدایی هروی

تقدیری از شیخ الشعراء استاد براتعلی فدایی هروی صفحه ۷

نگاهی به اوضاع نا به سامان مبارزه با مواد مخدر صفحه ۹

اول می (روز جهانی کارگر) خجسته باد! صفحه ۱۱

مواد مخدر زهر تولید شده از سوی نظام بورژوازی صفحه ۱۲

این همه سکوت برای چه؟ صفحه ۱۵

گزارشی در رابطه به افتتاح پروژه تاپی در هرات! صفحه ۱۶

هشت مارچ گرامی باد! صفحه ۱۸

وضعیت کارگران در کارخانه‌های پارک صنعتی کابل صفحه ۲۰

تمام احزاب راجستر شده، ارتجاعی و تسلیم طلب هستند. صفحه ۲۲



## نیاز به شتاب،

### در جبران عقب ماندگی از شرایط عینی همچنان مشهود است

دختران و پسران) حول محور انقلاب دموکراتیک نوین در کشور است که امکان بیرون راندن نیروهای اشغالگر امپریالیستی و سرنگونی رژیم دست نشانده اش (بعنوان تضاد عمده) و جای پا ندادن به طبقات استثمارگر فئودال کمپرادور ارتجاعی، مشهودتر میگردد.

خطرات فزاینده در شرایط فعلی به حد کافی واقعی هستند. اما فرصتها و ضرورت‌های انقلابی نیز به همان پیمانه واقعیت دارند.

مقاومت، به خودی خود، کافی نیست، برای وارد آوردن ضربه کاری به سیستم موجود، ضروری است که مقاومت با یک خط انقلابی که بتواند مبارزه را در مسیر رهایی کامل پیش ببرد، رهبری شود و ما برای رهبری چنین خط انقلابی که بتواند مقاومت ملی مردمی و انقلابی علیه اشغالگران امپریالیست و خائنین ملی دست نشانده شان را به پیش ببرد، با تعهدی خارااین گام نهاده ایم و تا بیرون راندن کامل اشغالگران امپریالیست و سرنگونی رژیم دست نشانده و بیرون راندن اشغالگران مرتجع داعشی از هیچ گونه سعی و تلاشی دریغ نخواهیم ورزید.

ما درین مسیر پر از پرتگاه و دشوار، و شرایط بغرنج کنونی تمامی توده‌ها، طبقات مردمی، ملیت‌های تحت ستم، زنان ستم‌دیده، نیروها و شخصیت‌های ملی، مترقی و آزادیخواه این سرزمین را به اتحاد عمل مبارزاتی و تشریک مساعی هرچه بیشتر در تحقق این اهداف و در جهت پیشبرد هرچه وسیعتر مقاومت ملی مردمی و انقلابی فرا میخوانیم و آرزومندیم بتوانیم درین مسیر، دوشادوش هم، رسالت عظیم اجتماعی خود را به جا آورده و دین خود را در قبال کشور و مردمان کشور و تاریخ کشور ادا نماییم.

**پاینده باد اتحاد و وحدت تمامی نیروهای انقلابی!**

**فزاینده باد خواسته‌های برحق آزادی خواهانه و استقلال طلبانه!**

**مرگ بر اشغالگران امپریالیست و خائنین ملی دست نشانده!**

**مرگ بر اشغالگران مرتجع داعشی!**

**زنده باد استقلال! زنده باد آزادی!**

**پیش به سوی پیشبرد هرچه وسیع تر مقاومت ملی مردمی و انقلابی**

۱۵ جوزای ۱۳۹۷

کسانی که خط انقلابی را در شرایط امروزی در دست دارند، فقط اقلیت کوچکی را شاید تشکیل بدهند که از هر طرف بوسیله اپورتونیست‌ها، رویزیونیست‌ها، تسلیم طلبان رنگارنگ و غیره محاصره شده باشند. پس چه چیز این امکان را میدهد که با قاطعیت تمام این اطمینان را بدهیم که این نبردهای انقلابی، پیکارهای بی امان نسل امروز، خصوصاً نسل آزادیخواه کشورمان بر محور مقاومت ملی مردمی و انقلابی علیه اشغالگران امپریالیست و خائنین ملی دست نشانده شان، آینده را منعکس می‌سازد؟ اظهار و اذعان این مطالب صرفاً مبالغه نیست، بلکه انعکاس حقیقت ژرف است.

ما باور داریم و با اعتقاد راسخ حول خط انقلابی گردهم آمده ایم. خط انقلابی که برای پیشروی در میان اوضاع بسیار پیچیده کنونی میتواند و باید راه را از چاه نشانی کند، مسیر آینده را به بهترین شکل آن با تکیه بر تمام استدلال‌ات علمی، فلسفی، سیاسی و تحلیل مشخص از اوضاع مشخص جامعه و منطقه و جهان، ترسیم نماید. خط انقلابی که جسارت لازم را برای برانگیختن توده‌ها در مسیر انقلاب مهیا سازد. خط انقلابی که با روی دست گرفتن خواست‌های انقلابی - سیاسی بر توده‌ها و پیشبرد مبارزات انقلابی متکی به توده‌ها، پدید آورنده وضع جدیدی در سطح کشور، منطقه و جهان باشد.

ما با اعتقاد راسخ و با یک تعهد انقلابی برای دگرگونی وضعیت جاری کشور، منطقه و جهان دست به دست هم داده ایم و در مسیری پر از پرتگاه و دشوار، در حرکت هستیم.

به باور و اعتقاد راسخ ما پیشروی درین مسیر پر از پرتگاه و دشوار نه تنها ضروری بلکه ممکن است، اما با فراز و نشیب و پیچ و خم‌های فراوان بعید نیست. ما باور کامل داریم که امپریالیست‌ها و در راس آن امپریالیزم لجام گسیخته امریکا "مجسمه ای با پاهای گلی" بیش نبوده و نیست. همچنان باور کامل داریم که "تمام ارتجاعیون ببرکاغذی هستند." اینها صرفاً شعار نیست بلکه واقعیات پیرامون ما را تشکیل میدهد. این دو جمله لاف و گزاف هم نیست بلکه حقیقت اجتماع ما را منعکس می‌سازد که در تحلیل نهایی تمام متجاوزین و اشغالگران خار و زبون و تمامی طبقات استثمارگر، ضعیف هستند، چون آنها نمایندگانی و حامیان سیستمی از مناسبات اجتماعی کهنه و فرسوده‌ای هستند که باید از میان برود.

در شرایط کنونی کشور، بی پایگی "ابدی" بودن حاکمیت رژیم پوشالی، تدوام اشغالگری امپریالیست‌های یانکی و متحدین بین‌المللی شان و اشغالگران مرتجع داعشی و حاکمیت طبقات استثمارگر و مرتجعین فئودال کمپرادوری برای بخش‌های وسیع تری از مردم این خطه آشکار گردیده است. با پیشبرد هرچه وسیعتر مقاومت ملی مردمی و انقلابی علیه اشغالگران امپریالیست، خائنین ملی دست نشانده و اشغالگران مرتجع داعشی، بسیج فشرده تر، اتحادی عمیق تر و تعهدی خارااین تر نسل آزادیخواه این خطه (اعم از زنان و مردان، پیران و جوانان،

## رای ندهید!

### انتخابات پارلمانی و شوراهای ولسوالی‌ها را قاطعانه تحریم کنید!

### مقاومت ملی مردمی و انقلابی را شگوفاتر سازید!



افغانستان کشوری است مستعمره - نیمه فئودال، که در چنگال خونین اشغالگران امپریالیستی به رهبری امپریالیزم امریکا، قرار گرفته و حاکمیتی کاملاً پوشالی و دست نشانده از طرف اشغالگران امپریالیستی بر مسند قدرت نصب گردیده است.

تاریخ ۵ جوزای ۱۳۹۷ خورشیدی، کمیسیون انتخابات رژیم، روند ثبت نام نامزدان انتخابات پارلمانی و شوراهای ولسوالی‌های این کشور را رسماً آغاز نمود. قرار است روند ثبت نام نامزدان انتخاباتی تا ۲۲ جوزا ادامه داشته باشد و انتخابات پیش رو به تاریخ ۲۸ میزان ۱۳۹۷ برگزار گردد.

روند ثبت نام واجدین رای از تاریخ ۲۵ حمل شروع گردید و با تمدید یک ماهه آن به تاریخ ۲۲ جوزا به پایان میرسد.

براساس تقسیم اوقات ارائه شده کمیسیون، فهرست ابتدائی نامزدان به تاریخ ۷ سرطان و فهرست نهایی آنان به تاریخ ۱۲ اسد اعلام خواهد شد.

این درحالی است که در سراسر کشور ۷۵۰۰ مرکز ثبت نام رای دهندگان (شامل نواحی شهرها، ولسوالی‌ها، قراء و قصبات) فعال گردیده و براساس برآورد کمیسیون انتخابات ۷۳ مرکز اصلاً باز نشد و ۴۴ مرکز آن تعطیل گردیده است. درین صورت ۷۳۸۳ مرکز ثبت نام باقی است.

کمیسیون انتخابات ارقام ثبت نام رای دهندگان را از تاریخ ۲۵ حمل الی ۷ جوزای ۱۳۹۷ به تعداد ۴ میلیون و ۲۱ هزار و ۶۳۳ نفر اعلام نمود، در حالیکه در انتخابات پارلمانی سال ۱۳۸۹ تعداد واجدین حق رای را ۱۷ میلیون نفر اعلام نموده بود. رژیم دست‌نشانده در انتخابات سال ۱۳۹۷ تصمیم گرفت تا از اعلام پیشاپیش واجدین حق رای خودداری کند و ثبت نام‌شانرا بر اساس تذکره‌های تابعیت انجام دهد. اگر همان ۱۷ میلیون آمار سال ۱۳۸۹ را در نظر بگیریم و با ارقام فعلی مقایسه نماییم، به وضوح ۷۶.۳۴ (هفتاد و شش اعشار سی و چهار) درصد کاهش را نسبت به ۷ سال قبل نشان میدهد. ۷۶.۳۴ درصد کاهش، دلیل متنازع‌شده تحریم قاطعانه انتخابات پیش روست. دلیل تمدید یک ماهه وقت ثبت نام رای دهندگان از تاریخ ۲۲ ثور به ۲۲ جوزا نیز همین آمار پایین ثبت نام واجدین حق رای میباشد در حالیکه رژیم دست‌نشانده مسائل امنیتی را نیز عنوان کرده است.

دفتر " هیات اتحادیه اروپا در افغانستان " با نشر خبرنامه‌ای اعلام نمود که مبلغ پانزده و نیم میلیون یورو از طریق پروگرام انکشافی ملل متحد " یو - ان - دی - پی " برای پیشبرد روند انتخابات ولسی جرگه و شوراهای ولسوالی‌ها کمک کرده است.

چندی قبل کمیسیون انتخابات اعلام نمود که به اساس فیصله‌های اخیر، تمامی کاپی‌های تذکره که برچسب خورده

است باطل میباشد. این اظهارات در حالی عنوان گردیده که اختلافات میان اعضای کمیسیون و رده‌های بلند دولتی مبنی بر دخالت آنان در روند انتخابات به شمول دخالت اشرف غنی (شاه شجاع چهارم) در هفته‌های اخیر و همچنان فروش تذکره‌ها به نامزدهای احتمالی از سوی مردم، همچنان رشوه ستانی‌های فراوان و تطمیع مالی در پیشبرد این روند و همچنان مشکلات میان نمایندگی‌های این نهاد و روند ثبت نام واجدین رای در ولایات و ولسوالی‌ها بصورت وسیع خبرساز شده بود.

بدین صورت به خوبی دیده میشود که ارقام ۴ میلیون و ۲۱ هزار و ۶۳۳ نفر ثبت نام‌شدگان نیز از همین اکنون نشان‌دهنده تطمیع مالی صاحبان تذکره که بخاطر فروش تذکره‌هایشان در بدل ۵۰۰۰ افغانی حاضر به ثبت نام شده و به مراکز ثبت نام رای‌دهندگان مراجعه کرده اند، میباشد. اگر همین مبلغ گزار انتخاباتی دفتر " هیات اتحادیه اروپا " و مسئله فروش تذکره‌ها در میان نمی‌بود، یقیناً آمار ثبت نام رای دهندگان ازین هم پایین تر می‌آمد.

به اساس قانون ساخته و پرداخته اشغالگران امپریالیستی و رژیم دست‌نشانده و طرز العمل کمیسیون انتخابات، کسانی که خود را برای انتخابات پارلمانی نامزد میکنند، باید تابعیت افغانستان را داشته، ۲۵ ساله باشند و از سوی محکمه مجرم شناخته نشده و از حقوق مدنی‌شان محروم نشده باشند. همچنان این نامزدان باید در کنار تکمیل اسناد دیگر برای ثبت نام، مشخصات تذکره‌ها، برچسب نصب شده بر تذکره و اثر انگشت یک هزار حامی خود را نیز به کمیسیون ارائه نمایند. ضمناً نامزدان انتخابات شوراهای ولسوالی‌ها افزون بر شرایط نامزدان پارلمان، باید سند فراغت صنف دوازدهم خود را به کمیسیون ارائه نمایند و شمار حامیان آنان با توجه به نفوس هر ولسوالی از صد الی سیصد نفر باشد.

به هر حال، افغانستان کشوری است مستعمره - نیمه فئودال

تکامل قانون کار در عرصه پراتیک اجتماعی نمونه‌ای ازین مورد است. همین مسئله در مورد کسب حقوق سیاسی نیز صدق می‌کند. البته تمام اینها بدون ذکر بدست آوردن قدرت سیاسی گفته میشود، زیرا یک قدرت سیاسی انقلابی تنها میتواند با کسب پیروزی از طریق خشونت انقلابی که در افغانستان بمعنی مقاومت همه جانبه ملی مردمی و انقلابی از روستا تا شهر است انجام پذیرد.

با این چشم اندازهای واقعی و حقیقی جامعه ما، مردم و توده‌ها چه انتظاری می‌توانند از شرکت در انتخابات ۱۳۹۷ داشته باشند؟ زیرا بوضوح معین و مشخص است که رای دادن هیچ چیزی نیست مگر پشتیبانی از نظام فرسوده پوشالیان وطنی و دست‌نشانندگان حقیرشان و انتخاب حاکمیتی برای اعمال گرسنگی و قتل عام هرچه بیشتر! رای دادن به معنی تداوم حالت اشغال کشور و بازسازی مستعمراتی اشغالگران یانکی!

رای دادن کمک به برقراری حکومتی مزدور و میهن فروش است که موجب قحطی عظیم‌تری خواهد شد، چون این قحطی چیزی است که به وسیله نیازها و خصلت طبقاتی دولت دست نشانده طلب میشود. رای دادن کمک به منسوب نمودن حاکمیتی مزدورمنش و کشتارگرتر در جهت امیال اشغالگران امپریالیست و خون آشام، زیرا این نیز توسط نیاز همین رژیم منحط و مزدورمنش تعیین گردیده تا از حالت مستعمراتی - نیمه فئودالی کشور در مقابل رشد بالنده مبارزات خلق ستم‌دیده، بویژه خروش مبارزه و مقاومت ملی مردمی و انقلابی که ساختمان‌های کهنه را به لرزه در می‌آورد و نابودشان می‌سازد، دفاع کند.

ساختمان نوین عبارت از اشکال قدرت سیاسی نوین جامعه نوین، مبتنی بر پایه خیزش‌های بازو به بازوی خلق است.

مردم نمی‌توانند به ستمگران خود خدمت کنند، مردم نمی‌توانند در حل مشکلات به آنها یاری رسانند، آنها نمی‌توانند به نظام اجتماعی استثمارگران و ستمگران و میهن فروشان و جلادان صحنه گذارند و حتی نمی‌خواهند کوچکترین کمکی به انتخابات یک دولت دست‌نشانده و مزدور که سبب قحطی و قتل عام بیشتر خواهد شد، نمایند.

تنها پاسخ مناسب امروز چنین است:

### رای ندهید!

**انتخابات پارلمانی و شوراهای ولسوالی‌ها را قاطعانه تحریم کنید!**

**مقاومت ملی مردمی و انقلابی را شگوفاتر سازید!**

**این تنها پاسخ منافع خلق ستم‌دیده و توده‌های دربند افغانستانی در مقابل انتخابات رژیم پوشالی و دست نشانده است!**

"جنبش انقلابی جوانان افغانستان"

۱۱ جوزای ۱۳۹۷ (اول جون ۲۰۱۸)

و در شرایط کنونی با بحرانی عمومی به سر می‌برد. این جامعه بگونه‌ای سخت و علاج ناپذیر، بیمارست. این جامعه تنها میتواند از طریق دامن زدن به مقاومت همه جانبه ملی مردمی و انقلابی علیه اشغالگران امپریالیست و خائنین ملی دست نشانده و اشغالگران مرتجع داعشی و سپس برقرار جمهوری دموکراتیک نوین متحول گردد و این همان کاری است که ما، توده‌های این سرزمین را در انجام آن رهبری می‌کنیم.

ما تمامی مردمان آزادی‌خواه این خطه را به تحریم قاطعانه‌تر ازین فرا می‌خوانیم و در یک کلام نه تنها تحریم قاطعانه‌تر انتخابات پیش رو بلکه به شگوفایی هرچه بیشتر مقاومت ملی مردمی و انقلابی علیه اشغالگران امپریالیست و خائنین ملی دست نشانده‌شان در جهت بیرون رفت ازین بحران کنونی فرا می‌خوانیم. در شرایط کنونی هیچ راه حل دیگری به جزء این موجود نیست.

رژیم پوشالی و دست‌نشانده، در یک انتخابات ساخته و پرداخته، چیزی بیشتر از دار و دسته‌های وطن‌فروش و خائنین ملی که در جهت امیال اشغالگران حرکت میکنند، نیستند. آنان به طرق گوناگون می‌خواهند نظام فرسوده و پوشالی خود را وجهه قانونی داده و دست نشانده‌گی‌شان را توجیه نمایند. این اعمال خائنه ملی، اعمال قدرت سیاسی بر توده‌هاست، بر خلق ستمکش است، بر کارگران و دهقانان است، بر خرده بورژوازی و حتی بورژوازی ملی و متوسط و کوچک است. این اعمال قدرت سیاسی از طرف حاکمان دست نشانده و از طرف اشغالگران امپریالیست به رهبری امپریالیزم یانکی و متحدین بین‌المللی‌شان و کاملاً علیه منافع خلق و ملت ستم‌دیده این دیار است. این موضوع نیازی به بحث و ارائه مثال‌های تاریخی بیشتر ندارد، زیرا دلایل و مدارک مقابل چشمان ماست. اشغالگران امپریالیست با تهاجم نظامی عربان و روی کار آوردن حاکمیتی دست نشانده، هموطنان ما را به انقیاد طلبی ملی و طبقاتی سوق داده و استقلال و آزادی‌شان را سلب نموده است. رژیم پوشالی و اشغالگران سفاک و خون آشام با بمباران‌های پی هم طیارات بی ۵۲ و بدون سرنشین که هنوز هم ادامه دارد، مردمان ما را به کام مرگ و نیستی فرو برده و باعث ویرانی هزاران روستا گردیده است. رژیم پوشالی و اشغالگران امپریالیست مسبب انواع بدبختی، رنج و درد، فقر و فاقه، بی‌سرپناهی، مهاجرت، اعتیاد به مواد مخدر، گرسنگی و هزاران فلاکت دیگر درین کشورند.

رای دهی به معنی پشتیبانی از رژیمی میهن فروش و دست نشانده اشغالگران امپریالیست است. رای دهی به معنی انتخاب جامعه‌ای قحطی زده و تایید حاکمیتی پوشالی و دست نشانده و میهن فروش است!

سئوالی که می‌باید مطرح شود: معنی این انتخابات چیست؟ آیا لازم است مردم به پای صندوق‌های رای بروند؟ آیا رای دادن در جهت منافع مردم است؟ با نگاه به تجارب قبلی آیا دگرگونی انقلابی را تا کنون مردم از طریق انتخابات یا پارلمان کسب کرده‌اند؟ هر دستاوردی محصولی از مبارزات خلق بوده و به چنگ آمده از طریق مبارزات خلق ستم‌دیده بوده و به چنگ آمده از دست دشمن است و بر پایه چنان اعمالی است که این قوانین نتیجه شده‌اند یا قانون از همان ابتدا این دستاوردها را محدود کرده و یا روندی برای محدود و یا باطل کردن آنها وجود داشته است.

## رایه مه ورکوی!

## دولسی جرگی او ولسوالیو شوراگانو ټاکنی په غوڅ ډول تحریم کړی!

## ملی او ولسی او انقلابی مقاومت لادیر وغوړوی!

د نوم لیکنی یوه میاشت زیاتوالی یعنی دغوی ۲۲ نیټه څخه بیا دغبرگولی تر ۲۲ نیټی پوری دوخت زیاتیدل داسی چی خلک په ټاکنوکی برخه نه اخلي خوگوداگی رژیم بیا داټول شیان په نامنی پوری تړلی بولي.

داروپایی اتحادیې دفترپه کابل کی دخبرپانی په ترڅ کی اعلان کړی دی چی د ملگری ملتونو دانکشافی بودجی څخه او د (یو.این.دی.پی) له خوا دټاکنو د لگښت لپاره ۱۵،۵ ملیونه یورو مرسته کړی دی.

څه موده مخکی دټاکنو دکمیسیون له خوا دااعلان وشوچی دوروستی پریکړی له مخی دتذکری پرکاپی گانو لگول شوی ستیکرونه باطل دی دااعلان په داسی حال کی کیری چی دټاکنو دکمیسیون او ددولت دلورپورو چارواکو ترمنځ ناندردی روان دی چی خپله اشرف غنی (څلورم شاه شجاع) مداخله کوی او همدارنگه دتذکرو رانیول او پیرودل، فساد او بډی ورکول دکمیسیون اوددی داستازوترمنځ خنډونه اودنوم لیکنی لړی په ولایتونو او ولسوالیو کی دهرچاغورونو ته رسیږی. په دی ډول سره روښانه لیدل کیری چی د ۴ میلیونو ۲۱ زرو ۶۳۳ کسانو نوم لیکنه ددی ادعا ښکارندوی دی. دتذکرو خاوندان لمسول کیری اوددوی تذکری د ۵۰۰۰ افغانی په بدل کی رانیول کیری، اودوی ته ویل کیری چی نوم لیکنه وکړی.

که چیری داروپایی اتحادیې ډیره مرسته اودتذکرو رانیول پیرودل نه وای په رښتیا سره ویلای شوچی نوم لیکنه به په اروار تردی هم لږ وای. دامپریالیستی ښکیلاکگروپه لاس جورشوی قانون او دمزدور دولت دټاکنو دکمیسیون په تگلاری کی راغلي دی، کوم کسان چی خپل ځان په پارلمانی ټاکنوکی ټاکی باید دافغانستان تابعت ولری ۲۵ کاله عمری پوره کړی وی او دمحکمی له خوا په جرم باندي مجرم نه وی پیژندل شوی اوکمیسون ته دخپلو پلویانو تذکری دگوتو نښان دځان سره ولری کمیسیون ته دی وړاندی کړی.

د ولسوالیو د شوراگانو د ټاکنو شرایط سر بیره د پارلمانی

افغانستان یوه مستعمره او نیمه فیودالی هیواد دی چی دامریکی تر رهبری لاندید دامپریالیستی ښکیلاکگرو په خونړی منگولو کی پروت او دامپریالیستی ښکیلاکگرو له خوا یو بشپړ پوشالی او لاسپوخی رژیم حاکمیت دواک په گدی کښینولی دی.

د ۱۳۹۷ کال دغبرگولی دمیاشتی په پنځم نیټه دټاکنو دکمیسیون له خوا دپارلمانی او ولسوالیو دشوراگانو دنوم لیکنی کار په رسمی ډول پیل کړل دمعلوماتو له مخی تر ۲۲ غبرگولی پوری نوم لیکنه دوام لری، د پارلمانی او ولسوالیو شوراگانو ټاکنی به ۱۳۹۷ کال دتلی په ۲۸ نیټه تر سره شی.

دنوم لیکنی لړی دروان کال دوری د ۲۵ نیټی څخه پیل او دیوی میاشتی په زیاتیدو سره دغبرگولی په ۲۲ نیټه ختم شی ټاکل شوی محال ویش له مخی دنومانندو لومړنی نوم لږ دچنگاښ په ۷ نیټه او وروستی نوم لږ دزمری د میاشتی په ۱۲ نیټه اعلان کړل شی داپه داسی حال کی دی چی په ټول افغانستان کښی (۷۵۰۰) دنوم لیکنی مرکزونه چی په هغه کښی ښارونه او دهغوی خواوشاه سیمی او ولسوالی او دهغوی لوی او کوچنی کلی فعاله شوی دی. دټاکنوکمیسیون داټکل له مخی ۷۳ مرکزونه تړلی دی او ۴۴ مرکزونه په بشپړ ډول رخصت دی نو په دی حال کی ۷۳۸۳ د نوم لیکنی مرکزونه باقی پاته دی. د ټاکنوکمیسیون له خوا وری ۲۵ نیټه څخه دغبرگولی ۷ نیټه پوری ۴ ملیونه ۲۱ زره او ۶۳۳ کسانو نوم لیکنه کړی ده د ۱۳۸۹ کال په پارلمانی ټاکنوکی د رای ورکونکو شمیر ۱۷ ملیون و گړی اعلان شوی وو.

لاسپوخی رژیم دروان کال ۱۳۹۷ دټاکنو دگډون کونکو دشمیر دااعلان څخه ډډه کړی دی اوویلی دی چی نوم لیکنه دی د تابعت د تذکری له مخی سرته ورسیري که چیری هغه د ۱۳۹۷ کال ۱۷ میلیونه گډون کونکو کچه په نظرکی ونیسو او داوسنی نوم لږ د ۷ کالو مخکی په پرتله وشی روښانه معلومیږی چی په سلوکی ۷۶/۳۴ سلنه لږوالی څرگند ښی.

ټاکنوشرایط ولری. اوهم ددولسم ټولگی د فراغت سند ولری او خپل دپلویانو شمیر دولسوالیو دنفوسو په بنسټ باندی دسلو څخه تردری سو کسانو پوری وی.

په هر حال افغانستان مستعمره اونیمه فیودالی هیوادپه اوسنی ستونزو گیرپاتی دی. اوزمونږ ټولنه په یونه رغیدونکی ناروغی اخته دی، یواځی یوه لاره شته هغه هم دیوملی، ولسی او انقلابی مقاومت اوانقلابی روحی سره د ښکیلاکگرو او ملی خاینینو اوددوی دلاس پوځو او ښکیلاکگر مرتجع داعیشیانو پوراندی ودریرو او ټول پرگنی یوځای نوی دیموکراتیک جمهوریت جوړکړو، داهغه کاردی چی ددی هیواد دپرگنو دشرتبوب لپاره وکړو مونږ ټول ازادی غوښتونکی پرگنی دی ته وهڅوو چی په یو اواز اویوه خوله په دی ټاکنو کی برخه وانخلی په اوسنی لانجه من حالاتوکی داوولسونود انقلابی یووالی او مقاومت پرته امپریالستی ښکیلاکگر ملی خائنین اوددوی لاس پوځی دله منځه وړلو بله غوره لاره نشته.

لاس پوځی رژیم به یوه جوړه شوی ټاکنیزپلان سره وطن پلورونکی، ملی خاینین اوددوی مزدوران چی خپل دبادارانوگتی ساتی اوشوریدلی لاس پوځی رژیم ته قانونی بیه ورکوی او داځائین اودپردو غلامان پراکثروخلکو باندی خپل ظلم اوبربریت ته دوام ورکوی، دمثال ورکولو هیڅ اړتیا نه لیدل کیږی چی پرکارگرانو، کروندگرو، خرده بورژوازی او ملی بورژوازی متوسط او کوچنی بورژوازی ددوی ظلم او ستم دوام لری؛ او مونږ هره ورځ وینو چی د (بی-۵۲) او ډرون الوتکو په زور زمونږ پرگنی وژنی، کورونه یی وړانوی او داظام امپریالستان اوددوی داخلی غلامان مونږ دمرگ کندی ته اچوی.

لاس پوځی رژیم اوددوی باداران ځناورامپریالیستان د بدمرغیو لامل او هرورځی مباری، درد، غم، فقر، لوږه، بی کوری، مهاجرت او په مخدره توکو روږدیدل اودزرگونو بدمرغیو سره مخ یوو دا ددی وطن پلورونکی لاس پوځو او امپریالیستی اشغالگرو ددوام څرگندوی دی.

کوم پوښتنه چی باید وشی هغه داده چی، ددی ټول ټاکنو معنی څه دی؟ آیا دا غوره به وی چی خلک دی ټول ټکنو صندوقونو ولورته ولاړ شی؟ آیا رای ورکول دخلکو د گټو پرخوا دی؟ دپخوانیو تجربو ته په کتلو سره آیا انقلابی بدلون دپارلمانی ټاکنی له لاری لاسته راتلای شی؟ هره لاسته راوړنه دخلکو دمبارزاتو لاس ته راوړنه ده اودستم لاندی خلکو لپاره جوړه

شوی ده دکار دقانون جوړویدنه د ټولنیزعمل یوه بیلگه ده. انقلابی سیاسی لاس ته راوړنه یواځی دزور دلاری او دیوانقلابی غورځنگ په واسطه راتلای شی به تمام معنی ملی انقلابی غورځنگ د کلو او ښارونو لپاره.

زمونږ دټولنی په رښتنی لیدلوری سره پرگنی اوتول ملت د ۱۳۹۷ کال دټاکنو څخه امید درلودلای شی. دایوڅرگنده خبره ده چی په دی ټاکنی کښی ونډه اخیستل دمزدور رژیم ملاتړ او وطن پلورونکی خیانت دخلکولورپه وژنه اوکومه جوړونه چی کیږی دیانکی ښکیلاکگرو د تداوم معنی ورکوی اوس رای کارونه ددی لاس پوځی رژیم ته موقع ورکول دی چی لوږه او قحطی نورهم زیاته شی. رای کارونه دمزدور رژیم دوژلو اوورانولو قانونی رنگ ورکول دی، امپریالستان ښکیلاکگر دمستعمره او شوریدلی نیمه فیودالی نوکرانو ته داکثرتیت خلکو پرضد وده ورکوی دخواریکښانو د ملی مقاومت په وسیله زور جوړښت دمنځه وړل دی. نوی ټولنه عبارت دی نوی سیاسی واک اونوی ټولنه چی دپرگنوپرمت ولاړه وی خلک نشی کولای هغه خلک چی پردوی ستم کوی دهغوی خدمت وکړی. خلک نشی کولای د ستونزو دحل لپاره دخلکو ددښمنانو مرستی ته ورواندکی په ټولنه کی استثمارگران، ستمگران اووطن پلورونکی جلادانو ته ښه وواپی اونه غواړی ډیره کوچنی گټه دغسی لاس پوځی رژیم ته ورسوی چی قطعی وژنه نوره هم دوام پیداکړی. یواځی مناسب ځواب داسی دی.

رایه مه ورکوی!

پارلمانی او دولسوالیو ټاکنی تحریم  
کړی!

ملی اودپرگنوانقلابی ځواک نورهم پیاوړی کړی!

دایواځنی ځواب دی دخلکو دگټو اوتولو خواریکښانولپاره

چی دلاس پوځی رژیم په لومه کی پاته دی!

دافغانستان دځوانانو انقلابی غورځنگ!

کال غبرگولی ۱۱ نیټه (۲۰۱۸ کال دجون ۱ نیټه)



## تقدیری از شیخ الشعراء استاد براتعلی فدایی هروی

خوشبختانه استاد براتعلی فدایی هروی چهره برجسته شعر و ادب افغانستان که با نام شیخ الشعراء در میان شاعران نامدار این کشور شناخته میشود، نه تنها در برابر اعطای مدال «سیدجمال الدین افغانی» از سوی اشرف غنی

یکی از خصوصیات تجاوز نظامی امپریالیست‌ها به رهبری امپریالیزم یانکی، تطمیع بلاوقفه قشر روشنفکر افغانستانی است. آنها به طرق گوناگون همیشه در پی تطمیع روشنفکران این خطه بخاطر آن هستند که تجاوز و اشغالگری شان را بتوانند جلوه قانونی داده و توجیه نمایند.

(شاه شجاع چهارم)  
تطمیع نگردید بلکه  
در مقابل اعطای  
داده شده به خودش،  
پاسخ محکمی به  
اشرف غنی و دار و  
دسته اش داده است.



رژیم دست نشانده اشغالگران امپریالیست برای اینکه تهاجم عریان نظامی اشغالگران را بتواند جلوه قانونی دهد، که و بیگانه بخشی از روشنفکران افغانستانی را از چینل مقامات عالی رتبه خویش امتیاز داده و با اعطای مدال و تشویق و تمجیدشان زمینه تبلیغ وسیع و گسترده ای را در جهت تسلیم طلبی ملی و طبقاتی بوجود می آورد.

ما ضمن قدردانی از  
استاد براتعلی فدایی  
هروی، پاسخ این  
شاعر برجسته را،

درین شماره از پیکار جوانان به دست نشر می‌سپاریم و آرزو مندیم که این کار استاد براتعلی فدایی هروی نمونه ای باشد به تمام شاعران آزادی‌خواه این سرزمین!

اینبار نیز، رژیم دست نشانده و مزدورمنش فکر میکرد، بتواند با اعطای مدال «سیدجمال الدین افغانی» به یکی از شعرای دیگر این سرزمین، او را به طرف خود جلب نموده و زمینه دیگری را برای تبلیغ تسلیم طلبی ملی و طبقاتی از طریق این شاعر آزادیخواه مساعد نماید.

\*\*\*\*\*



مرا که شب همه شب آه و ناله کار من است

قرین غصه و اندوه روزگار من است

میان آتش بی طاقتی ز جور زمان

سپند وار دل زار بی قرار من است

به حال ملت مظلوم و وضع نکبت بار

غریق لجه ی خون قلب داغدار من است

حدیث خواری مظلوم و فتنه ی ظالم

شعار صبحگه و ورد شام تار من است





مرا به پاره فلزی چه افتخار بود  
 مدال دفتر اشعارم افتخار من است  
 هلا! زبان پی تبریک من نبگشایید  
 کزین خوش آمد و تبریک سخت عار من است  
 به کاخ ظلم سرم خم نشد اگر رفتم  
 گواه من الف قد استوار من است  
 نه دست بوس نمودم نه قد فرو کردم  
 نه چاپلوسی و خوش خدمتی شعار من است  
 ز بهر مصلحتی بود رفتنم ور نه  
 در این پذیرش و دعوت چه اعتبار من است  
 مرا زبان به نوازش کسی نه بتوان بست  
 که زندگی همه میدان کار زار من است  
 به آب و دانه مرا کس فریب نتوان داد  
 اگر هزار کمان کش پی شکار من است  
 مرا ز دیدن هر صحنه عبرت نیست کز آن  
 حصول جوشش افکار و انزجار من است  
 ندیده رنگ تملق کسی به آثارم  
 که این مشاهده نه در خور وقار من است  
 کسی مرا به خوش آمد خموش نتوان ساخت  
 که شور بر سر و فریاد و ناله کار من است  
 به پیش زور و زر و حيله خم نگشت سرم  
 گواه حال من اشعار آب دار من است





## نگاهی به اوضاع نا به سامان مبارزه با مواد مخدر

م.اخگر



بر اساس گزارش و سروی مشترک وزارت مبارزه با مواد مخدر رژیم و دفتر مبارزه با جرایم سازمان ملل متحد (UNODC) در سال ۱۳۹۶ در ولایات مختلف کشور (۳۲۸۰۰۰) سه صد و بیست و هشت هزار هکتار زمین تحت کشت کوکنار قرار داشته است که نسبت به سال های قبل ۶۳ درصد افزایش را نشان می دهد. تولید تریاک از (۴۸۰۰) چهار هزار و هشت صد تن در سال ۱۳۹۵ به بیش از (۹۰۰۰) نه هزار تن در سال ۱۳۹۶ افزایش یافته است که نشان از تولید دو برابر دارد. عواید مواد مخدر از ۰٫۹۰ بیلیون دالر آمریکایی در سال ۱۳۹۵ به ۱٫۴ بیلیون دالر در سال ۱۳۹۶ افزایش یافته است. تعداد معتادان به انواع مواد مخدر در حدود سه و نیم میلیون گزارش داده شده است که حدود نیم میلیون آن را معتادان هیروئینی، مورفینی، کوکائینی و ... تشکیل می دهند.

### چگونگی مبارزه با مواد مخدر

مبارزه سمبولیک و غیر موثر رژیم حاکم و نهاد های مسئول آن با مواد مخدر چگونه بوده است؟

بر اساس گزارش وزارت مبارزه با مواد مخدر (۷۵۰ هکتار) زمین تحت کشت کوکنار در سال ۱۳۹۵ تخریب گردیده است. بر اساس گزارش پولیس مبارزه با مواد مخدر در سال ۱۳۹۵ در حدود (۷۸) تن مواد مخدر از نوع (مورفین، هیروئین، کوکائین و تریاک) از سوی پولیس، امنیت ملی، و اردوی ملی در سراسر افغانستان کشف و ضبط گردیده است. اگر سر سری هم محاسبه کنیم (۰٫۸) فیصد مواد مخدر تولید شده در افغانستان کشف و ضبط گردیده است و (۹۹٫۲) فیصد مواد مخدر تولید شده یا به بیرون قاچاق گردیده و یا هم به دست مصرف کنندگان داخلی رسیده است.

بر اساس گزارش پولیس مبارزه با مواد مخدر تعداد دستگیر شده گان و مظنونان قاچاق مواد مخدر در سال ۱۳۹۵ به (۳۲۲۷) تن می رسد که قریب به اتفاق آنها از طبقه پائین جامعه بوده است که شامل حامل، دریور، کلینر، مزدور کار، سرباز و ... می شوند. کسانی دستگیر، زندانی و محاکمه گردیده اند که در درون نظام پوشالی، حامی و پشتوانه بلند رتبه نداشته اند. بیشتر آنها کسانی اند که از سر ناگزیری و ناچاری در بدل مبالغ بسیار اندک و کم به خاطر خرچ و مصارف زندگی و فامیل خویش دست به کارگری و مزدور کاری در بخش مواد مخدر زده اند.

در گزارش پولیس مبارزه با مواد مخدر ادعا گردیده است که:

« بالغ بر (۲۷۵) میلیون دالر آمریکایی می شود، که بر پیکر قاچاقبران مواد مخدر ضربه سنگین وارد گردیده است»

حالا شما این رقم را با (۱٫۴) بیلیون دالر آمریکایی مقایسه کنید که میزان ضربه بر پیکر قاچاقبران چه مقدار بوده است.

هم چنان:

«در طول سال ۱۳۹۶ از سوی پولیس مبارزه با مواد مخدر (۷۱۹۰۰۰) هفت صد و نوزده هزار دالر آمریکایی مربوط به قاچاقچیان مواد مخدر حین حواله در بانک ها و صرافی ها کشف و ضبط گردیده است.»

رقم متذکره در مقایسه با عوایدی که از مواد مخدر به دست می آید به اندازه، مصرف روزانه یک قاچاقچی متوسط مواد مخدر به نظر می رسد.

### تحلیل و ارزیابی

در پیوند به کشت، تولید، قاچاق و ترافیک مواد مخدر موضوعات مختلف قابل بحث است که درینجا به عمده ترین آنها میپردازیم:

#### دست داشتن قوت های خارجی در قاچاق و ترافیک مواد مخدر:

تولید انبوه تریاک در افغانستان و تبدیل کردن آن به مشتقاتی مثل هیروئین، مورفین، کوکائین و ... بیانگر آن است که انتقال همه آن به بیرون از کشور توسط قاچاقبران متوسط، خورد و کوچک امکان ندارد. باید انتقال چنین محموله های بزرگ و پر در آمد از میدان های هوایی عمده، بدون مداخله و بازرسی به صورت محرم با حمایت مقامات نظامی و رده های بالای حکومت ها صورت گیرد. بعضی گزارش ها نشان می دهد که صرف آمریکایی ها از بدو حضور تا اکنون سالانه به ارزش (۴۵-۵۰) میلیارد دالر آمریکایی پودر (هیروئین) به ایالات متحده آمریکا قاچاق کرده اند و این مواد مخدر را بین معتادان کشورهای مختلف آمریکایی به فروش رسانده اند. البته این قاچاق بزرگ از سه میدان هوایی نظامی (شور آبک هلمند، میدان هوایی کندهار و میدان هوایی بگرام) صورت گرفته است. به این حساب صرف آمریکایی ها از درک قاچاق هیروئین افغانستان با حمایت

نفر در نظر بگیریم و هر کدام آنها در روز دو گرام مواد متذکره را به مصرف برسانند. باید روزانه در کل کشور (۸۰۰) کیلو گرام مواد مخدر از نوع (هیروین، مورفین و کوکائین) توزیع گردد که می تواند روزانه چهار میلیون دالر امریکایی عواید به جیب قاچاقبران و خرده فروشان و خاینین ملی دست نشاندۀ حکومتی و امنیتی واریز کند. هر معتاد اجازه حمل (۱۰) گرام تریاک را روزانه دارد حال اگر دو میلیون معتاد هر کدام (۱۰) گرام تریاک جا به جا کنند به این حساب می توانند روزانه (۱۰) تن تریاک را در سراسر کشور جا به جا نمایند و به مصرف کنندگان برسانند که عواید آن با حساب سرسری به چهار میلیون دالر می رسد.

این عواید، روزانه بین قاچاقبران، خرده فروشان، خاینین ملی دست نشاندۀ حکومتی و امنیتی و اداری تقسیم می گردد. راز تداوم مراکز تجمع معتادان در زیر پل و پلچک ها و عدم تعطیلی آنها در همین نکته نهفته است.

مرکز تجمع معتادان در زیر پل و پلچک های شهرها، مرکز توزیع و فروش مواد مخدر نیز هست. توزیع و فروش مواد مخدر در مراکز تجمع معتادان هم به قاچاقبران و خرده فروشان سود کلان دارد و هم به جیب پوشالیان وطنی در ارگان های امنیتی مثل پوسته ها و حوزه های امنیتی پول های باد آورده سرا زیر می سازند. حداقل از طریق همین مراکز تجمع معتادان روزانه (۸۰۰) کیلو گرام هیروین و مورفین و کوکائین و (۱۰) تن تریاک به صورت قانونی جا به جا و توزیع می گردد و به دست مصرف کنندگان می رسد. به لحاظ سیاسی نیروی جوان آغشته به اعتیاد وقت و توان فکر کردن ندارند و توان عمل کردن به عنوان نیروی تغییر دهنده جامعه از آنها سلب می گردد.

بنابر رژیم پوشالی حاکم به همین دلیل و سود آور بودن تجارت مواد مخدر هیچ گاه برای مبارزه با مواد مخدر تصمیم و برنامه جدی و اساسی نه روی دست دارد و نه باداران شان آنرا اجازه می دهند. پیامد تداوم چنین وضعیت برای ملت ستم دیده به جز درد و رنج و مرگ تدریجی چیزی دیگری در پی نداشته و نخواهد داشت.

با توجه به دلایل فوق سیاسی - مافیایی امید برای کاهش تعداد معتادان وجود ندارد و مراکز تجمع معتادان نه تنها که از بین برده نمی شود بلکه بعد از سپری شدن ۱۶ و نیم سال با گذشت هر روز اعتیاد گسترش پیدا کرده و به تعداد معتادان افزوده شده است.

کل برنامه مبارزه با مواد مخدر رژیم پوشالی ناکام است و نتیجه ای جزء گسترش روز افزون کشت، تولید و قاچاق مواد مخدر در کشور را نداشته است. یگانه راه حل بیرون شدن از چنین وضعیت و محو کشت، تولید و قاچاق مواد مخدر، بیرون راندن نیروهای اشغالگر امپریالیستی از کشور، فروپاشی رژیم دست نشاندۀ و برقراری انقلاب دموکراتیک نوین از طریق پیشبرد هر چه قاطعانه تر و اصولی تر مقاومت ملی مردمی و انقلابی است.



دولتی و بدون سوال و جواب در طول ۱۵ سال گذشته مبلغ (۷۱۵) میلیارد دالر امریکایی منفعت سیاه کسب کرده اند. یکی از دلایل عمده گسترش زمین های تحت کشت کوکنار مخصوصا در جنوب و به صورت خاص در ولایت هلمند و افزایش تولید مواد مخدر حمایت پنهانی و جدی امریکایی ها و انگلیسی ها از کشت، تولید، قاچاق و ترافیک مواد مخدر در آن مناطق می باشند که این موضوع چند سال قبل در یکی از شماره های نشریه به صورت مستند انعکاس یافته بود. با توجه به این نکته که فضای افغانستان در اختیار بیگانگان قرار دارد و رژیم حاکم هیچ گونه کنترل بر آن ندارد.

به همین ترتیب میدان های هوایی که در اختیار اشغالگران امپریالیستی و متحدین بین المللی شان قرار دارند مانند میدان هوایی بگرام، کندهار، شور آبک هلمند، میدان هوایی شیندند و ... هیچ یک از مقامات رژیم حاکم به شمول شاه شجاع چهارم ( اشرف غنی) و عروسک کوکی شان ( عبدالله) به اصطلاح رییس جمهور، رییس اجرائیه و دیگر مقامات بلند پایه رژیم حق بازدید را ندارند چه برسد به تفتیش و بررسی و انتقال محموله های مواد مخدر و غیره. عدم تفتیش و بررسی چنین مکان ها و محموله ها در پیمان امنیتی استعماری کابل - واشنگتن صراحتاً ذکر گردیده است.

## دخیل بودن مقامات بلند رتبه دولتی در کشت و قاچاق و ترافیک مواد مخدر:

مدیریت کشت، تولید، قاچاق و ترافیک مواد مخدر در داخل افغانستان مربوط به مقامات بلند رتبه رژیم حاکم، دست نشاندگان محلی و مافیایی داخلی تحت حمایت یا حمایت کننده آنها قرار دارد. این مقامات که حلقه های مافیایی را با هم وصل می کنند در ارگان های مختلف جا به جا شده اند از ارگ ریاست جمهوری گرفته تا وزارت های داخله، دفاع، ریاست عمومی امنیت ملی، ادارات مالی و بانکی، محاکم، خرنوالی ها، مجلسین شورای ملی، شورا های ولایتی، والی ها، ولسوال ها و قوماندان های امنیه ولایات و ولسوالی ها پخش و پراکنده اند و هر کدام مانند حلقه های زنجیر کار خویش را در زمان معین، قلمرو و حدود صلاحیت های خویش انجام می دهند. مافیای داخلی تحت حمایت مافیای بین المللی، قوت های خارجی و سران رژیم حاکم شبکه های نیرومندی را در نقاط مختلف کشور ایجاد کرده اند تا سود داخلی قاچاق و ترافیک مواد مخدر از طریق این شبکه ها به جیب آنها سرازیر شود. در بعضی حالات رقابت آنها بر سر کسب منفعت مواد مخدر قربانی های زیادی را از مردم عادی و بی گناه نیز به دنبال داشته است.

## مشکل اعتیاد یا مرگ تدریجی:

اعتیاد ناشی از کشت، تولید و قاچاق مواد مخدر در کشور است که به یک مشکل سیاسی - مافیایی بدل گردیده است. یعنی مافیای مواد مخدر به دلیل موجودیت تعداد زیاد معتادان پول های کلان و هنگفت به دست می آورند. سه و نیم میلیون معتاد، روزانه در سراسر کشور مقدار زیادی مواد مخدر با قیمت بالا به مصرف می رسانند. فقره اول ماده (۳۱۷) کد جزا چنین صراحت یافته است:

«شخص معتاد اجازه دارد تا دو گرام هیروین، مورفین و کوکائین و ده گرام تریاک یا پنجاه گرام چرس را به همراه داشته باشد»

بر اساس این ماده ترویج اعتیاد یک امر قانونی است. حال اگر تعداد افراد معتاد به هیروین، مورفین و کوکائین را حداقل (۴۰۰۰۰۰) چهار صد هزار

## اول می (روز جهانی کارگر) خجسته باد!

کارگران چیزی به جز زنجیرهایشان برای از دست دادن در اختیار ندارد!

کالاهای وارداتی خارجی شغل شان را از دست داده و پیشه وری در حال سقوط و نابودی است.

اول می را در حالی گرامی میداریم که قشر وسیع مامورین پائین رتبه دولتی، به شمول معلمین مکاتب، به گفته یک معلم پردرد، آنچنان حالت زاری را دارند که به گداها میمانند و سائر اقشار خرده بورژوازی پیوسته به اعماق جامعه رانده میشوند و تجارت کوچک در مسیر قهقرائی افتاده است.

اینچنین حالتی در حالی عمق و گسترش میابد که ظرفیت اشتغال روز بروز کمتر میگردد. بعبارت دیگر این سقوط روبه پائین نه به گسترش صفوف طبقه کارگر در داخل کشور، بلکه به گسترش صفوف بیکاران منتهی میگردد. همین قشر روبه افزایش بیکاران است که نیروی مهم شورشگر علیه اشغالگران و رژیم دست نشانده را تشکیل میدهند و آنچنان عاصی اند که در شرایط نبود حضور فعال نیروی ملی مردمی و انقلابی در صحنه پیکار، حتی وسیعا به سوی یک نیروی ارتجاعی امتحان داده مانند طالبان کشانده میشوند، چه بسا در بسیار مواردی همین صفوف روبه افزایش بیکاران است که همکنون در بدنه اشغالگران مرتجع داعشی نیز به چشم میخورند و به طرف آنها نیز کشیده شده اند.

طبیعی است که امپریالیستهای اشغالگر و رژیم پوشالی بنابر ماهیت استثمارگرانه و ارتجاعی نظام شان نمیتوانند این همه معضلات را در جهت تامین منافع زحمتکشان و توده های مردم حل و فصل نمایند و این خود تضاد میان توده ها و فئودال - کمپرادوری را تشدید هرچه بیشتر میبخشد.

اینچنین است که شرایط عینی و ذهنی ناشی از تشدید تضادها در جامعه فرصت های عظیم و چالش های بزرگ بر سر راه مبارزه برای شگوفایی هرچه بیشتر مقاومت ملی مردمی و انقلابی به مثابه شکل مشخص ضد امپریالیستی - ضد ارتجاعی در افغانستان را بوجود میآورد.

اگر فرصت ها استفاده اعظمی به عمل نیاید طبیعی است که چالش ها به خطرات بالفعل تبدیل خواهند شد.

پس با توجه به رسالت تاریخی نیروی انقلابی آگاه و با توجه به تعهد خارائین به منافع علیای توده ها و کشور با تمام قوت و توان به پیش!

**پیش به سوی شگوفایی مقاومت ملی مردمی و انقلابی علیه اشغالگران امپریالیست و خائنین ملی دست نشانده و اشغالگران مرتجع داعشی!**

جنبش انقلابی جوانان افغانستان

۱۱ ثور ۱۳۹۷

زنجیرهایی که اسارت و بدبختی، انقیاد طلبی ملی و طبقاتی، فقر و فاقه، دربدری، آوارگی، بی خانمانی، گرسنگی، بیکاری و سپس در شرایط بغرنج کنونی که فقر و بیکاری از سر و روی جامعه میبارد، اگر کاری هم بعنوان لقمه بخور و نمیر پیدا شود در آنصورت زنجیر دیگری که به گردن کارگران می افتد همانا بهره کشی فرد از فرد و آنهم بصورت بسیار مضاعف که در کارخانه جات صنعتی کابل و سایر نقاط کشور به وفور میتوان مشاهده کرد.

اول ماه می روز جهانی کارگر روز همبستگی کارگران است.

اول می را در حالی گرامی میداریم که "ترانه" های بازسازی امپریالیسم لجام گسیخته امریکا و رژیم پوشالی دست نشانده درهپاهوی مشمنزکننده فساد همه گیر مستولی بر رژیم دست نشانده و منابع کمک رسانی خارجی، دیگر به ناله های گوش خراشی مبدل گردیده است که نه تنها سامعه شنوندگان، بلکه اعصاب خود ترانه خوانان را نیز می آزارد.

اول می را در حالی گرامی میداریم که سرازیر شدن سرمایه های امپریالیستی به کشور باعث فربه شدن هرچه بیشتر یک مشت کمپرادور - فئودال از یکطرف و بی چیز شدن روزافزون توده ها از سوی دیگر است. سطح زندگی زحمتکشان از دو سال به این طرف پیوسته در حال سقوط بوده است. نیروی کار وسیعا آواره و بی اشتغال است و اگر اشتغالی هم وجود داشته باشد مزد پرداختی نصف مزد دوسال قبل است درحالیکه سطح تورم نسبت به آن زمان پنجاه فیصد بالا رفته است. کارگران آواره و بی اشتغال اگر موفق شوند به بیرون از مرزها بروند میتوانند امیدوار باشند که کاری خواهند یافت، اما سطح درآمد آنها نیز شدیداً سقوط کرده است. یک کارگر آواره افغانستانی که برای یافتن کار به ایران می رود مجبور است حداقل پنجاه فیصد مجموع مزد خود را برای خرید پاسپورت افغانستانی و خرید ویزای ایرانی، که هرچند وقت یکبار باید تجدیدش کند به مصرف برساند.

اول می را در حالی گرامی میداریم که خانه خرابی دهقانان هرروز بیشتر از پیش عمیق تر و گسترده تر میگردد و درمقایسه با چنین وضعیتی تامین حاکمیت فئودالی - ارتجاعی طالبان بر منطقه که کم از کم کشت بی درد و سر کوکنار و تولید تریاک را به همراه دارد. فرصت یک "دم دراز کردن" ولو موقتی را به دهقانان میدهد، اما تحت حاکمیت طالبان نیز، گرچه از چور و چپاول بی حساب و کتاب جنگ سالاران حکومتی خبری نیست و صاحب منصبان و مامورین رشتخور دولتی دیده نمیشوند، ولی حاکمیت فئودالی خشن طالبان نیز چیزی نیست که منافع اساسی دهقانان خواهان آن باشد، زیرا حاکمیت طالبان "عشرشرعی" تریاک و سائر "وجوهات شرعی" را بدون کم و کاست از تمامی اهالی، منجمله دهقانان، میگیرند و تامین مصارف لوجستیکی خود را بر آنها تحمیل میکنند. نمیتوان گفت که دهقانان این مالیات شرعی را با "طیب خاطر" میپردازند، گرچه درمقایسه با چور و چپاول و اخاذی های دولتی ها با ناراحتی کمتری به آن تن در میدهند.

ول می را در حالی گرامی میداریم که اقشار خرده بورژوازی هرروز بیشتر از پیش به فقر و فلاکت می افتند و پیشه وران تقریباً در مجموع در تقابل با

## مواد مخدر زهر تولید شده از سوی نظام بورژوازی

جرئت

تولید کننده مواد مخدر، افغانستان در صدر جدول قرار دارد. چرا چنین است و چرا باید چنین باشد؟ زیرا نفع کشورهای امپریالیستی در این است تا زیر بنای اقتصادی این کشورها را ویران ساخته و آنها را به کشورهای کاملاً مصرف کننده و بازار مواد بُنجل تبدیل نمایند. افغانستان نمونه بارز چنین قربانی است. در اینجا مختصراً تاریخچه کشت و قاچاق مواد مخدر در افغانستان را ورق می‌زنیم.

### کشت پر درآمد کوکنار

گرچند کشت کوکنار در افغانستان از قدیم مروج بوده است، اما تولید آن نه برای تجارت تریاک بلکه بشکل عنعنوی که معمولاً از آن منجیث داروی آرام بخش استفاده صورت می‌گرفت، و کمتر کسانی به تریاک معتاد بودند، فقط از قدیم در سمت شمال مشخفا در ولایت بدخشان کشت و استفاده کوکنار بین مردم مروج بود. پدیده کوکنار چه زمانی افغانستان شمول گردید؟ این مواد آهسته آهسته سمت شمال و سمت غرب کشور میان قالین بافان و بخصوص ترکمنان رواج یافت. کشت تریاک در زمان ظاهرشاه ممنوع گردید، از این ممنوعیت زورمندان بیشترین نفع را بردند، زیرا بعد از این تریاک بشکل بازار سیاه پخش و توزیع می‌گردید و کشت این مواد مختص به فئودالان زورمند گردید. ملاکینی که در چوکی های دولتی تکیه زده بودند با استفاده از این موقعیت شان با باندهای مافیای کشورهای منطقه در تماس شده و زمینه قاچاق این مواد را مهیا نمودند. قاچاق این مواد ابتدا از طریق هرات توسط وکیل شاه اعلم طاهری، وکیل رحمان با خواهر شاه ایران بشکل ترانزیتی مهیا گردید. این آقا زاده‌ها که در چوکی پارلمان تکیه زده بودند، با استفاده از این موقعیت موترهای تریاک را پلم نموده و مستقیماً آنطرف مرز به خواهر شاه ایران تسلیم می‌نمودند.

هم اکنون در سایه اشغالگران باندهای مافیای مواد مخدر که در رژیم پوشالی از موقعیت خوبی بر خوردار اند به شکل زنجیره ای سمت شمال و جنوب را به هرات وصل نموده توسط کامران علیزائی رئیس شورای ولایتی هرات مواد مخدر مستقیماً از شاهراه هرات اسلام قلعه به ایران انتقال داده می‌شود.

کشت، قاچاق و استفاده مواد مخدر یک معضله مطرح شده در سطح جهان است. سالانه میلیونها انسان در اثر استفاده مواد مخدر معتاد شده و از دایره زندگی انسانی خارج شده و اکثریتشان دیریا زود جان‌هایشان را از دست داده و می‌دهند. امروزه تجارت مواد مخدر یکی از پردرآمدترین تجارت در سطح جهان قلم داد می‌شود، استفاده این مواد جهان شمول گردیده است. پخش و توزیع این مواد آنقدر گسترده است که مردم هیچ کشور و پیرو هردین و آینی نمی‌تواند از خطرات این پدیده در امان باشد.

گرچند استفاده و تجارت مواد مخدر ریشه تاریخی دارد، اما در قرن اخیر که جهان در چنگال نظام جهان خوار بورژوازی افتیده است، نه تنها استفاده مواد مخدر زیاد شده است بلکه تجارت آن نیز شکل جهانی بخود گرفته است، تجارت مواد مخدر در سطح جهان یک تجارت غیر رسمی گفته می‌شود و تجاران مواد مخدر را مافیا یا قاچاقبران مواد مخدر خطاب می‌کنند، اما این ظاهر قضیه است، چون در نقل و انتقال، فروش و بازاریابی آن در سطح کشورهای غربی و شرقی، افراد بلند پایه از درون نظامهای حاکم دست دارند.

نظام بورژوازی نه میخواهد و نه میتواند این معضله را حل کند، به این علت است که روز بروز مواد مخدر در سطح جهان دامن گستر شده و حتی امروز این معضل دامن کشورهای امپریالیستی را گرفته است.

نظام بورژوازی امپریالیستی هرگز خواهان از بین بردن مواد مخدر نیست، زیرا تجارت مواد مخدر برای باند مافیا که در حقیقت در راس نظام بورژوازی امپریالیستی قرار دارند بهترین سود را به ارمغان می‌آورد این از یکسو، و از سوی دیگر بورژوازی آگاهانه تعدادی از نسل جوان که نیروی شورشگر علیه بیدادگری‌های این نظام هستند توسط این زهر کشنده به یک عنصر بیکاره تبدیل می‌نماید.

امروز در سطح جهان فقط کشورهای وابسته و مستعمره تولیدکننده مواد مخدر محسوب میشوند. در جمع کشورهای

مجاهدین نیز نتوانستند در ساحات حاکمیت خویش ، زراعت را رونق بخشند . زیرا آنها از یک جانب در این مورد پلانی نداشتند و از جانب دیگر نمی توانستند این کار را انجام دهند ، زیرا افکار فیودالی و تیوکراتیک به آنها این اجازه را نمی داد . براین اساس زراعت افغانستان به شکل عنعنوی و قدیمی پیش رفت و اصلا مدرنیزه و ملی نگردید

طالبان نیز نمیتوانستند بهترتر از حاکمیت های قبلی باشند . زیرا افکار طالبانی عقب مانده تر از افکار باند خلق و پرچم و هم چنین آغشته به افکار غلیظ تر تیوکراتیک از جهادی ها بودند . براین علت زراعت افغانستان طی حاکمیت چند دهه نیروهای مختلف رژیم دست نشانده روس ها ، تیوکرات های جهادی و طالبی از گذشته هم به عقب رانده شد .

گرچند در حال حاضر تحت حاکمیت رژیم پوشالی ع و غ و پیش تر از آن تحت حاکمیت رژیم پوشالی حامد کرزی ( شاه شجاع سوم ) زراعت در سطح کشور وضعیت بهتری از قبل ندارد . اشغالگران و رژیم دست نشانده ظاهرا برای اغفال و فریب مردم زحمتکش از پلانهای زراعتی داد سخن سر می دهند و برای محو و نابودی کشت کوکنار سالانه میلیونها دالر به مصرف می رسانند ، اما هرگز نه تغییری در وضعیت زراعت افغانستان حاصل گردیده و نه تغییری در وضعیت قاچاق مواد مخدر پدید گشته است . علل و عوامل آنرا در زیر بر خواهیم شمرد .

بعد از اشغال افغانستان توسط اشغالگران امپریالیست به رهبری امریکا ، نیروهای اشغالگر در روابط تنگاتنگ با فیودالان و قاچاقبران مواد مخدر که در راس قدرت رژیم دست نشانده قرار دارند ، کشت ، قاچاق ، پخش و توزیع آنرا انحصارا در اختیار گرفته اند . از قبل هم مافیای بزرگ جهانی مواد مخدر با تباری حلقه های درون رژیم های ارتجاعی برای کشت و قاچاق این مواد دست داشته اند ، اما نیروهای اشغالگر بطور مستقیم کشت و قاچاق مواد مخدر در دست گرفته اند . چندی پیش وزیر خارجه ایران در یک کنفرانس در سطح منطقه روشن و واضح بیان داشت که قاچاق مواد مخدر از طریق افغانستان و راه ایران و ترکیه در کشور های اروپایی صورت می گیرد .

در زمان رژیم دست نشانده روس ها در افغانستان تا حدودی کشت و قاچاق مواد مخدر و پخش آن در داخل افغانستان آغاز گردید . در آنطرف مرز دیورند نیز مافیا بین المللی قاچاق مواد مخدر همراه با تعدادی از قوماندانان جهادی برای کشت و قاچاق این مواد در افغانستان زمینه سازی نمودند ، قاچاق مواد مخدر رونق بیشتری یافت . اما قاچاق مواد مخدر به شکلی امروزی اش در زمان قدرت گیری امارت اسلامی طالبان شکل گرفت . دهاقین به کشت پر درآمد بوته کوکنار رو آوردند . کشت کوکنار از ولایت حاصل خیز و پر آب هلمند شروع شده و بعدا به دیگر ولایات رواج یافت . در این میان چون دولت امارت اسلامی طالبان کدام پلان اقتصادی مشخص نداشت ، زمینداران نظر به اینکه حاصلات کوکنار نسبت به دیگر اقلام زراعتی بیشتر بود ، به کشت وسیع کوکنار رو آوردند . از جانب دیگر چون برای کشت کوکنار از طرف امارت اسلامی برای دهاقین کدام محدودیتی احساس نمی شد و کدام بدیلی نیز برای دهاقین پیشنهاد نگردیده بود ، بناء زمین داران هیچ مانع برای کشت آن نمی دیدند . تریاک تولید شده بدون کدام محدودیتی در بازار خرید و فروش می گردید و دهاقین و زمین داران با اندک ترین ترس و هراسی تریاک تولید شده را به بازار به فروش می رساندند ، از جانب دیگر طالبان نیز از درآمد مواد مخدر سود می بردند ، زیرا خودشان از جمله سوداگران این مواد بودند . در این میان مافیای مواد مخدر با زد و بند با قوماندانان طالب ، در افغانستان جا باز نموده و صدها کارخانه تولید مواد مخدر در ولایت جنوب شرقی و جنوبی افغانستان ساخته شد . گرچند این زد و بندها قبلا نیز با قومندان محلی زمان مجاهدین وجود داشت ، اما در زمان طالبان شکل منظم و منسجم تری را بخود گرفت .

### نبود مکانیزم زراعت ملی

زمانی که ساختارهای روبنایی و زیربنایی جامعه بافت ملی نداشته باشد و از جانب یک دولت ملی مردمی اداره نگردد ، طبیعتا در هر عرصه انارشی بوجود آمده و در همه چیز بی نظمی و بی قانونی حاکم می گردد . رژیم دست نشانده باند خلق و پرچم گرچند ظاهرا داد از ملی بودن و مردمی بودن میزدند ، اما ماهیت دست نشانده گی شان به آنها اجازه این کار را نمی داد . بر این اساس رژیم دست نشانده خلق و پرچم نه میتوانستند و نه میخواستند که زراعت را ملی بسازند .



در زمان رژیم حامد کرزی، یکی از مافیای بزرگ مواد مخدر و سنگ‌های گران‌قیمت افغانستان، حاجی اسدالله خالد والی وقت قندهار بود. به همگان روشن است یکی از قومندان حاجی اسدالله خالد در آن زمان روی مسایل پولی مواد مخدر با مافیای پاکستانی مشکلات پیدا نموده بود و وی چند مدتی در قید آنها قرار داشت، تا اینکه با دادن پول از طرف حاجی اسدالله خالد از قید آنها خلاص شد.

امروزه گفته می‌شود یک راه بزرگ ترانزیت مواد مخدر از جلال آباد تا قندهار کشیده شده است، که در این قاچاق مافیایی بلند پایه رژیم، والی‌های رژیم و بعضی از قومندان طالب دست دارند. این مواد از ولایت‌های لوگر، غزنی و زابل عبور کرده تا به قندهار می‌رسد. نقل و انتقالات مواد مخدر به کمک والی‌های ولایات با همکاری قومندانان طالب به منزل مقصود می‌رسد. هر والی رژیم و هر قومندان طالب در نقل و انتقال مواد مخدر با مافیا همکاری نموده امنیت کاروان حامل مواد مخدر را گرفته در منطقه خویش مسئولیتش را ادا نموده حق ذمه خود را اخذ می‌کند.

بنا در چنین شرایطی هیچ امیدی برای محو کشت و قاچاق مواد مخدر در افغانستان وجود ندارد. تا زمانیکه کشور تحت اشغال باشد، این وضعیت دوام دارد. تا زمانیکه چنین رژیم دست نشانده و مزدور وجود داشته باشد، با وجودی که این رژیم‌ها تعویض شوند و ریفورمی بوجود بیاید باز هم مشکل مواد سرچایش باقی خواهد بود. این معضله زمانی می‌تواند حل شود که اشغالگران از افغانستان بیرون رانده شوند و رژیم دست نشانده سرنگون گردیده و انقلاب دموکراتیک نوین به پیروزی رسد.

به امید چنین روزی به پیش!

افغانستان که در کشت و قاچاق مواد مخدر مقام اول را کمایی نموده است، در قدم اول مافیای مواد مخدر کشورهای اشغالگر بیشترین سود را بدست می‌آورند و در قدم دوم مافیای مواد مخدر افغانستان و کشورهای منطقه که در این رابطه ذیدخل اند سود می‌برند. یعنی از بازار پر منفعت مواد مخدر هرکسی به توان زور و بازوی خویش استفاده می‌برد، و کسیکه قربانی میشود و زیان می‌بیند توده‌های زحمتکش افغانستان است.

تحت حاکمیت رژیم کرزی (شاه شجاع سوم) وزارت تحت نام وزارت مبارزه با مواد مخدر تشکیل شده بود. در آن زمان وزارت مواد مخدر با وجودیکه میلیونها دالر را زیر نام محو مواد مخدر حیف و میل نمود، نه تنها از کشت و قاچاق مواد مخدر کاسته نشد بلکه تشدید هم گردید. اما رژیم ساخته و پرداخته «جان‌گری» وزارت را به معینیت مبارزه با مواد مخدر تبدیل نمود که تحت نظارت وزارت داخله کارش را به پیش می‌برد. چنانچه دیده شده است، این معینیت هم نه می‌خواهد و نه می‌تواند برای محو مواد مخدر کار مثبتی انجام دهد. زیرا این رژیم طبق میل ارباب باید حرکت کند. از چنین رژیم‌های نباید توقع کار مثبت را داشت.

امروزه نظر به گفته‌های مقامات خود رژیم و حامیان اشغالگر آنها، در افغانستان ۳ میلیون نفر معناد به مواد مخدر اند. هر گاه در شهرها و خصوصا پایتخت کشور نظر افکنده شود، فاجعه بیشتر از آن است که تصورش می‌رود.

تحت حاکمیت رژیم پوشالی محمد اشرف غنی، فاجعه مواد مخدر بیشتر از پیش به اوج خود رسیده است. زیرا این رژیم نه میتواند و نه میخواهد که این معضله حل گردد. زیرا در کشت و قاچاق مواد مخدر، رسماً مقامات بلند پایه رژیم دست دارند. از دست داشتن مقامات بلند پایه رژیم در قاچاق مواد مخدر، رسانه‌های خود رژیم بارها سخن به زبان آورده اند.

## این همه سکوت برای چه؟

سیروس (۲۱ دلو ۱۳۹۶ خورشیدی)

وقتی در مسیر بزرگ زندگی قدم می‌گذاریم؛ راهی ست پر از درد و رنج، اندوه و شادی، فقر و بیکاری، ظلم و ستم، آه و ناله و پر از پیچ و خم‌ها و حادثات عمیق و المناک بزرگی که انسان همواره با آنها همراه بوده و دست و پنجه نرم می‌کند. از هر مسیری که می‌گذریم خاطراتی ملکه ذهن‌مان میشود و چه رسد به آن خاطره‌هایی که در دل آدمی داغ بزرگی می‌نهد و باعث میشود تا از زندگی خسته و افسرده شود.

آری اگر روزمان بی بهانه شب می‌شود و شب‌مان بیهوده صبح، اگر ساعت زندگی‌مان را کوک نکرده باشیم تا برای هدف‌هایمان هشدار دهد و از خواب بیدارمان کند، اگر گودال را می‌بینیم و به چالش می‌افتیم و کاری نمی‌کنیم، اگر ما ستم و ظلم را تحمل کنیم درد جانکاهی است که جامعه را به تباهی و قهقرا سوق می‌دهد. برای رفع این همه درد و مصیبت باید حرکت کرد و اوضاع را تغییر داد و متحولش نمود و همزمان با آن خویشتن را.

وقتی می‌بینیم که میهن‌مان اشغال است و مشقت قلبی از خاینین ملی از سفره‌اشغالگران نان می‌خورند و همراه و هم‌کلام‌شان شده‌اند، نوکران اجنبیان و آله دست‌اشغالگرانند، و با ساز و دهل اربابان اشغالگر می‌رقصند و وطن‌مانرا هر روز بدتر از روز قبل می‌کنند، بر هم‌وطنان ما ظلم و تعدی روا می‌دارند، جوانان‌مانرا با نام‌های مختلف و تبعیضات گوناگون به جان هم می‌اندازند، زنان با اشکال گوناگون تحقیر و توهین می‌شوند و مهمتر از همه زیر چتر اشغالگران مثله می‌گردند و محاکمه صحرائی می‌شوند... اگر حرکت نکنیم و علیه این همه بیدادگری مبارزه نکنیم جای شرم است.

"خورشید به گیاهی می‌تابد،

که سر از خاک بیرون بر آورده باشد."

در چنین اوضاع و احوالی خسته و افسرده‌ایم، اما پر از فریاد، بغضی در گلویمان بنام سکوت دفن شده است. با قلب سرشار از اراده و ایمان به خود باید این سکوت تلخ و بی پایان را شکست، سکوت بس است، نباید لال و گنگ و خسته و افسرده باشیم، نباید این ظلم و ستم را تماشا کنیم، باید داشته‌هایی که ملکه ذهن‌مان شده است و در تصورات باقی مانده است و تا حال نتوانستیم آنها را بیان کنیم، وقتش سر رسیده تا بیان نمائیم. امروز باید اشک را متوقف کرد، دل را قوی نمود و ذهن را آرام کرد و عقده‌ها را به عقیده تبدیل نمود. زیرا اشک دشمن باید ریختانده شود و دل آن‌ها کفیده شود و باید اشغالگران و خاینین ملی پریشان و افسرده باشند نه ما.

دیگر نباید اشک ریخت، دیگر نباید اسیر افکار پلیدانه اشغالگران و نوکرانشان بود. تابکی باید زنجیرهای غم بر دست و پای ما بسته باشد و نظاره گر این همه بیدادگری بود و خاموشی اختیار کرد، تابکی باید مردم ما در انقیاد اشغالگران زندگی کنند، تابکی باید نفس‌های عزیزان‌مان قطع شود و هوا و زمین‌مان با دود و خون آلوده باشد.

بس است این همه تحمل!

باید جنبید تا خورشید بر ما بتابد، و سیاهی روزگار پاک شود!

روزگاری است سخت، ایامی است سرد که همه چیزش پول شده است. باید بر تمامی سختی‌های این روزگار، ایام سرد و نابکار فایق آمد، تا آن نگفته‌ها را که در حنجره‌های مان لال و مات مانده است رو کرد، فریاد کرد و توانایی‌های‌مان را که تا کنون کسی ندیده است، در باورها بنشانیم. بدون ترس و هراس به پیش رویم و از مرگ نهراسیم، زیرا:

"مرگ ما پری قو نیست، کوهست و گران سنگ است"

ما جامعه‌ای داریم سرد و پر از امواج کشنده و درد، زیرا اشغالگران امپریالیستی بر مبنای اهداف طویل مدت خویش این جامعه را آن گونه بازسازی مستعمراتی نموده‌اند که تبعیضات نژادی، زبانی، قومی، ملیتی و جنسی در آن فوران میکند و بنام‌های مختلف هم میهنان‌مان خون یکدیگر را می‌ریزند. باید جنبید و دست به دست هم‌دیگر داد و با یک مقاومت همه جانبه ملی مردمی و انقلابی کاخ اشغالگران و مزدوران‌شان را به لرزه در آورد و سرنگون‌شان نمود.

"وقت سخن مترس و بگو آنچه گفتنی است"

شمشیر روز معرکه ننگ است در نیام!"

باید اراده و ایمان خود را در راه خدمت به کشور و مردمان کشور، قوی نمود و یقین کامل را کسب کرد که درین راهی دراز و پر پیچ و خم تک و تنها نیستیم. ما شاهد همراهی هزاران و میلیون‌ها هموطن‌مان خواهیم بود. فقط و فقط با برگزیدن شیوه مبارزاتی مقاومت همه جانبه ملی مردمی و انقلابی است که میتوان اشغالگران را از کشور بیرون راند و رژیم دست‌نشانده را سرنگون نمود و بر ویرانه‌های آن درفش یک جامعه دموکراتیک (دموکراتیک نوین) را به اهتزاز در آورد و تمام این مصیبت‌ها را منهدم نمود.

ای سرزمین من!

آری، هر آنچه ممکن است پس چه چیز بهتر از استقلال و آزادی و آبادی!

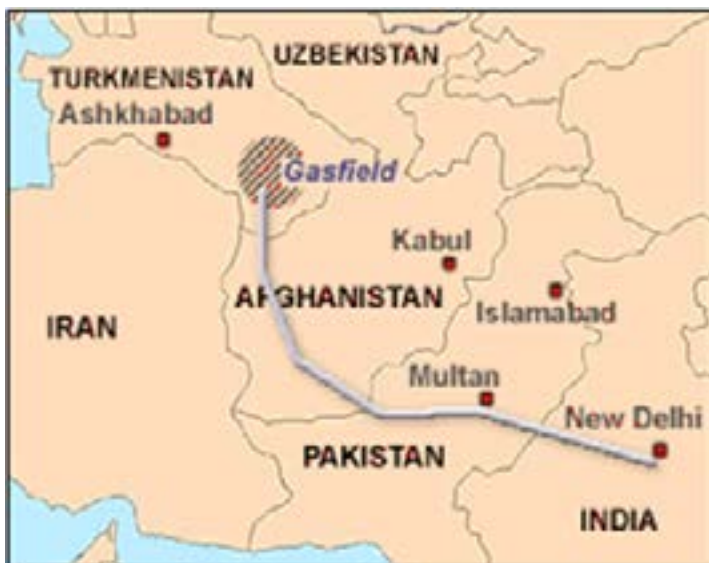
پیش بسوی بهروزی و پیروزی!

پیش بسوی آینده‌ی بهتر!

نابود باد دشمنان کشور!

## گزارشی در رابطه به افتتاح پروژه تاپی در هرات!

آزاد - ۱۲ حوت ۱۳۹۶



The proposed TAPI gas pipeline

هرات سه کمربند امنیتی ایجاد شده بود که کمربند اول آنرا پولیس "ملی" که حومه شهر را در بر میگرفت و کمربند دوم را اردوی "ملی" و "امنیت ملی" که مربوط دروازه های شهر و قسمتی از داخل شهر و کمربند سوم را نیروهای خاص پی اس (President Protective Service-PPS) ریاست جمهوری رژیم پوشالی افغانستان که نواحی مربوطه اطراف تالار مولانا و قول اردوی سابق را در دست داشتند. در حدود دو هزار (۲۰۰۰) سرباز کمکی از ولایات کابل، لوگر، پروان، کندهار، پکتیا که جهت تامین امنیت پروژه تاپی به هرات آمده بودند، با نیروهای پی اس همکاری داشتند. دو بال طیاره بدون سرنشین که خیلی به ندرت قابل دید بود و چهار بال طیاره های وزارت دفاع منطقه را کنترل و امنیت محفل را از طریق هوایی گرفته بودند. در روزهای پنج شنبه و جمعه به تعداد (۶۰) عدد کامره های خاص ریاست جمهوری در شهر هرات به فضاء فرستاده شد تا امنیت بهتر این پروژه را از



طبق معلومات واصله برای افتتاح این پروژه مبلغ چهارمیلیون دالرامریکائی از طرف رژیم دست نشانده افغانستان بخاطر ساخت و ساز محل افتتاح پروژه تاپی (تالارمولانا، میدان هوایی تورغندی، میدان هوایی تخت سفر، ساخت دیوار اطراف ولایت، اسفالت سرک قول اردو و سرکی که منتهی به میدان های هوایی می گردد، ساخت بلوارهای داخل شهر، چاپ بنر، رنگ آمیزی بلوارها، طرح و دیزاین، گل کاری ها داخل شهر و غیره) که توسط یک هیئت بلندپایه از سوی ریاست جمهوری افغانستان به هرات فرستاده شده بود هزینه گردیده بود. ناگفته نماند که میدان هوایی تخت سفر و میدان هوایی تورغندی، دو میدان هوایی است که بخاطر پروژه تاپی جدیداً طرح، دیزاین و ساخته شده است. ترمیم و ساخت و ساز پروژه های متذکره تقریباً مدت یکماه را در بر گرفت تا آماده مهمان نوازی از چهار رئیس جمهور (ترکمنستان، افغانستان، پاکستان و هندوستان) می باشد. ترمیم و ساخت و ساز پروژه های متذکره زیر نظر مقام ولایت هرات، ارگان های محل و ریاست شاروالی صورت پذیرفته است. در پهلوی چهارمیلیون دالر امریکائی که رژیم دست نشانده هزینه نموده بود، ریاست حوزه هرات برشنا نیز تقریباً در حدود دو و نیم میلیون افغانی را بابت ساخت و ساز و کرایه هفت پایه دیزل جنراتورهای قوی در هفت موقعیت کلیدی شهر هرات نیز به مصرف رسانده است.

امنیت این پروژه از دو طریق هوایی و زمینی چهار روز قبل از افتتاح مراسم پروژه تاپی در هرات صورت گرفته که در ولایت



و خارجی مقامات بلند پایه دولت افغانستان بشمول وزیر داخله، وزیر اقتصاد، وزیر صحت عامه، وزیر مالیات، تعدادی از وکلای پارلمان، والیان نیمروز، فراه، هلمند، اعضای شورای ولایتی هرات و دیگر روسای هرات و مقامات دولت ترکمنستان نیز حضور داشتند. محفل به ساعت ۵ عصر ختم گردید.

اشغالگران امریکایی به خاطر رسیدن به رویای دیرینه شان (احداث خط لوله گاز از ترکمنستان از طریق خاک افغانستان و پاکستان به هندوستان) طالبان را به قدرت رساند، بیشتر از هفت سال از امارت اسلامی طالبان حمایت نمود و هنگامی که برنامه شان از طریق امارت اسلامی طالبان به نتیجه نرسید، به بهانه "مبارزه علیه تروریسم بین الملل" افغانستان را به اشغال خود در آورد، بالاخره به هدف شومی که داشت رسید و احداث لوله گاز را افتتاح نمود.

امپریالیزم اشغالگر امریکا بر مبنای استراتژی بین المللی افغانستان را اشغال نموده است. او در نظر دارد تا بصورت دراز مدت در این کشور باقی بماند. به همین منظور "توافقنامه پیمان امنیتی" را با رژیم دست نشانده امضاء نموده است. یکی از اهداف عمده اش حضور نظامی دراز مدتش در افغانستان است. او میخواهد از این طریق روسیه و چین را کنترل نموده و بر کشورهای آسیای میانه تسلط حاصل نماید.

یگانه راه برای ناکامی این اهداف شوم اشغالگرانه و تجاوزکارانه امپریالیستی، مقاومت همه جانبه ملی مردمی و انقلابی برای بیرون راندن قهری اشغالگران و سرنگونی رژیم پوشالی است.

ما برای بسیج فشرده توده ها و نسل جوان کشور، ضرورت مبرم داریم تا دست به افشاء واقعیت های پشت پرده نظام امپریالیستی که در راس آن امپریالیزم لجام گسیخته امریکا قرار دارد، بزنیم. باید توده ها و نسل جوان که نیروی سازنده مملکت ما را تشکیل میدهند آگاهی کامل داشته باشند که هدف از احداث خط لوله گاز تاپی چیست؟ و برای ایالات متحده امریکا چه منفعت عظیمی را در پی دارد؟ عواقب، خطرات و مضرات احداث تاپی برای کشور و مردمان کشور در چیست؟ اشغالگران امریکایی چگونه و با چه طرح درازمدتی توانسته اند برین پروژه عظیم اقتصادی در سطح منطقه دست یازند؟ و به چه منظور کشور ما را به اشغال نظامی خویش در آوردند؟

اینها همه سوالاتی است که نسل جوان باید از خود دایما بپرسد زیرا « مادامیکه افراد فرا نگیرند، در پس هر یک از جملات، اظهارات و وعده و وعیدهای اخلاقی، دینی، سیاسی و اجتماعی، منافع طبقات مختلف را جستجو کنند - در سیاست همواره قربانی سفیهانه فریب و خود فریبی بوده و خواهند بود.»



طریق دوربین های مجهز از طریق فضای هرات بگیرند و یک روز قبل از افتتاح پروژه تاپی یعنی روز پنجشنبه در شهر هرات رخصتی عمومی اعلان گردید و حتی روز بعد از افتتاح پروژه تاپی یعنی روز شنبه نیز رخصتی عمومی اعلان گردید.

تردد وسایط نقلیه در روزهای پنجشنبه و جمعه کاملاً ممنوع گردید که حتی بایسکل اجازه گشت و گذار را نداشت و فقط مردم می توانستند پیاده داخل شهر گشت و گذار نمایند؛ آنهم تا مسیرهای چهار راه آمریت. تمام اطراف تالار مولانا و مقام ولایت هرات مسدود بود و هیچ کس اجازه گشت و گذار را نداشت.



در روزهای شنبه و یکشنبه نیز وسایط نقلیه از چهار راه آمریت الی چهار راه مستوفیت اجازه گشت و گذار را نداشت. تمام افرادی که در چهار اطراف تالار مولانا، مقام ولایت و دیگر اطراف آن زندگی می کردند تا ختم پروژه تاپی از خانه هایشان بیرون کشیده شده بودند. یک روز قبل از افتتاح پروژه تاپی تمام سربازان و نیروهای امنیتی داخل شهر به شمول قومندان امنیه و نیروی های ولایت هرات خلع سلاح گردیده و اجازه حمل سلاح را در داخل شهر نداشتند، فقط امنیت بیرون از شهر به پولیس سپرده شده بود. یعنی پولیس بیرون از شهر مسلح گشت و گذار میکرد. وسایطی که در مسیر شهر از طرف وزارت خارجه کارت مخصوص گرفته بودند و اجازه تردد داشتند در مسیرهای تالار مولانا و مقام ولایت هرات توسط نیروهای پی پی اس ریاست جمهوری باز هم مورد تلاشی قرار میگرفتند. به گفته یک تن از دربیوران که میخواست بدخل صحن ولایت اجازه دخول بگیرد، توسط نیروهای پی پی اس ریاست جمهوری از موتورش پایین کشیده شده، بانث موتر همراه چهار دروازه و دکه (داله) موتر را باز نموده و موترش توسط دو سگ تربیت شده ریاست جمهوری تلاشی شده و سپس اجازه ورود برایش داده اند؛ زیرا گفته میشود که آن منطقه، محل بود و باش اشرف غنی بوده است.

محفل افتتاح پروژه تاپی روز جمعه در شهر هرات دایر گردید. ابتداء ساعت ۱۰ قبل از ظهر اشرف غنی همراه با نخست وزیر پاکستان و وزیر دولت در امور خارجه دولت هند به ترکمنستان سفر کردند و یک محفل اختتامی در آنجا دایر گردید، بعد از آن به منطقه تورغندی آمدند و در آنجا محفلی داشتند به ساعت ۲ بعد از ظهر همان روز به مرکز شهر هرات محفل افتتاحی پروژه تاپی در تالار مولانا شروع شد که در حدود ۲۴۰۰۰ نفر مهمانان از جمله (۵۰) نفر سفیران داخلی



## هشت مارچ گرامی باد!



هشتم مارچ روز جهانی زن است. در این روز تمامی زنان مبارز و مردان حامی مبارزات آنان آماده میشوند تا یکبار دیگر خواست رهایی و آزادی از ستم را فریاد کنند، تجارب نوین و دست آوردهای جدید مبارزاتی خود را مطرح کنند و رشته های پیوند و اتحاد محکم ترخویش را به نمایش بگذارند. در این روز تاریخی باید اندیشه و عمل انقلابی در میان استعمار شدگان و تحت ستم قرار گرفتگان سراسر جهان، بخصوص زنان زحمتکش و تحت ستم طنین انداز شود. هشتم مارچ روز مبارزه برای آزادی و رهایی زنان در سراسر جهان است.

در کشور اشغال شده افغانستان، اشغالگران امپریالیست و رژیم پوشالی برای اینکه پرده فریبی بر روی اشغالگری و خیانت ملی شان کشیده باشند، به پیشواز برگزاری روز جهانی زن میروند، این یک حرکت آگاهانه برای خنثی کردن و از محتوا تهی کردن این روز مبارزاتی میباشد تا بتوانند آنرا مهار کنند و تحت کنترل خود بگیرند. باید به تمامی مردمان آزادیخواه این سرزمین، خصوصا زنان ستمدیده افغانستان واضح ساخت که این روز یک روز به یاد ماندنی در تاریخ مبارزات زنان جهان است و آن طوری که اشغالگران امپریالیست و رژیم پوشالی دست نشانده مطرح میکنند و آنرا برگزاری نمیانند نیست.

هشت مارچ روزی است که باید زنان با برگزاری آن، به رسمیت شناساندن هویت اجتماعی و انسانی خویش را جستجو کنند، واقعیتی که در نظام های طبقاتی مردسالار برای قرن ها نادیده گرفته شده و کماکان نادیده گرفته می شود.

رهائی و آزادی زنان تحفه ای نیست که اشغالگران و دست نشاندهگان شان به زنان پیشکش کنند، آنها در بدل قربانی کردن استقلال و آزادی ملی کشور و مردمان کشور و به گردن نهادن زنجیر انقیاد ملی.

رهائی و آزادی زنان با مبارزه طولانی و سخت زنان و حمایت مردان آزادیخواه از مبارزات آنان به کف می آید. در شرایط کنونی مبارزه زنان بخاطر رهایی و آزادی عمدتا بخشی از کل مقاومت ملی مردمی و انقلابی علیه اشغالگران امپریالیست و خائنین ملی دست نشانده شان بوده و تابع منافع عمومی آن است.

اعمال ستم بر زنان بخش لایتجزائی از کل نظام ستمگرانه حاکم بر جامعه بوده و در پیوند با استعمار طبقاتی و همچنان در یک رابطه تنگاتنگ با ستم ملی (اعم از ستم ملی امپریالیستی و ستم ملی شوونیستی) قرار دارد.

از اینرو زنان مبارز نمی توانند مبارزات شان را محدود و منحصر به مبارزه و مقاومت علیه اشغالگران و رژیم دست نشانده - علیرغم عمده بودن آن در شرایط کنونی - بنمایند. این مبارزات به مثابه مبارزات همه جانبه تمامی عرصه های جامعه، از محیط کوچک خانواده تا سطوح وسیع جامعه، را در بر می گیرد. در شرایط کنونی، به ویژه مبارزه جدی و قاطع علیه آن بینش و خط ارتجاعی زن ستیز از اهمیت بزرگی برخوردار است که حق خواهی زنان و مبارزات بر حق آنان را "مارک امریکائی" می زند و مخالفت و مقاومت علیه اشغالگران را مترادف و مساوی با انکار حقوق زنان و نفی مبارزات حق طلبانه آنان می داند.

اینچنین بینش و خط ارتجاعی که امروز عمدتا طالبان در حال جنگ با قوای خارجی و رژیم پوشالی عامل و حامل آن هستند، صرفا بر خاسته از موافق و منافع فئودالی بومی نمی باشد، بلکه دو مرجع و منبع بین المللی و خارجی نیز دارد. روشن است که مرجع و منبع جهانی آن همانا امپریالیسم جهانی است. رژیم طالبان توسط امپریالیست های امریکائی و متحدین امپریالیست و دنباله روان ارتجاعی آنها ساخته و پرداخته شد و بر مردمان افغانستان تحمیل گردید. این موضوع را نباید در شرایط امروز، و همچنان در شرایط آینده، به فراموشی سپرد. مرجع و منبع خارجی دوم بینش و خط ارتجاعی طالبان، پان اسلامیزم ارتجاعی تقویت کننده آنان



جهان و در داخل امریکا آنرا تحمیل کند، مخالفت کرده اند. اما لازم است که سطح مخالفت و مقاومت بالا برده شود و ما مصممانه در حال انجام آن هستیم.

تا زمانیکه دست اشغالگران امپریالیست و رژیم دست نشانده کنونی از سر مردمان ما کوتاه نگردد، آزادی زنان نیز میسر نخواهد بود.

در شرایط کنونی، مقاومت ملی مردمی و انقلابی علیه اشغالگران امپریالیست و خائنین ملی دست نشانده شان، آن چوکات عمومی ای است که مبارزات حق طلبانه زنان علیه ستم مرد سالاری نیز عمدتاً در داخل آن پیش برده می شود.

برین مبنا است که روز جهانی زن را گرامی می داریم و مبارزات زنان رزمنده را بطور روز افزونی شگوفان تر و پر بارتر می خواهیم و دست آورد های عظیمی برای آن آرزو می نمائیم.

### زنجرها را بگسلیم!

**خشم زنان را به مثابه نیروی قدرتمندی در راه انقلاب رها کنیم!**

**مقاومت ملی مردمی و انقلابی را شگوفاتر سازیم!**

**"جنبش انقلابی جوانان افغانستان"**

**هشت مارچ ۲۰۱۸**



گار هنری از: ژنرال و هنرمند

است که مبارزه و مقاومت علیه کارزار بین المللی جنگی امپریالیست های امریکائی و متحدین شان را با ترجمه و تفسیر شدید ارتجاعی و واپسگرایانه می آلاینند. این مرجع و منبع خارجی نیز به نوبه خود توسط قدرت های سوسیال امپریالیستی که امروزه بصورت واضح و روشن تر آن علم گردیده، سازماندهی و تقویت میگردد و صرفاً برخاسته از شرایط درونی کشورهای اسلامی نیست.

از لحاظ بین المللی با براه افتادن گلوبالایزیشن سرمایه داری و هجوم وسیع سرمایه از کشورهای امپریالیستی به کشورهای عقب مانده، بخش های بزرگی از زنان از خانه بیرون کشیده شده و درگیر کار و تحصیل گشته اند.

در عین حال، زنان همچنان در سطح کل جامعه بشری موقعیت درجه دوم داشته و اسیر نظام مردسالار بوده و هستند. این تناقض، مسئله زن را در سراسر جهان حادث کرده است. زنان جهان در چنگ نظام های پدرسالار-مردسالار (هم ارتجاعی و فئودالی و هم "مدرن" و امپریالیستی) که از آنان تبعیت و خدمت میخواهند، در اسارت، جان می دهند.

در جهان کنونی در مقابل زنان دو بدیل می گذارند:

به اصطلاح رهائی امپریالیستی یا سنت خفقان آور فئودالی! آنان کدام یک را باید انتخاب کنند؟

هیچکدام را، زیرا که هر دوی این بدیل ارتجاعی با رهائی زنان هیچ وجه اشتراکی ندارند؛ اصلاً با منافع اساسی اکثریت مردم جهان، چه زن باشند و چه مرد، وجه اشتراک ندارند. جنبش انقلابی جوانان افغانستان با تعهد استوار این شعار را سر میدهد که ما عزم راسخ داریم تا یک جنبش مقاومت ملی مردمی و انقلابی قدرتمند علیه تجاوز، تهاجم و اشغال امریکا بسازیم.

تجاوز و اشغال امریکا امروز شامل افغانستان و عراق است و امپریالیسم امریکا بطور افسارگسیخته بدنبال کنترل تمام جهان است. میلیونها نفر در امریکا و در سائر کشورهای جهان، با این نقشه و برنامه های رنگارنگ امپریالیستی دونالد ترامپ این فاشیست امریکایی که می خواهد در

## وضعیت کارگران در کارخانه‌های پارک صنعتی کابل

گزارشگر: م. اخگر

تاریخ: ۱۳۹۷/۱/۱۷



گزارش ذیل، از کارخانه‌های تولید انواع نوشیدنی‌ها، آب معدنی، آهن و فولاد، انواع پایپ و لوله‌های پلی ایتلین و کارخانه‌های تولید مواد غذایی واقع پارک‌های صنعتی پل چرخی ولایت کابل تهیه و تدوین گردیده است.

متأسفانه هیچ رسانه‌ای به صورت مفصل به وضعیت کارگران کارخانه‌ها نمی‌پردازد و در برابر وضعیت غم‌انگیز و تأسف بار کارگران سکوت خائنه پیشه کرده‌اند. رویکرد رسانه‌ها عامدانه و آگاهانه است. ما می‌خواهیم درین گزارش به وضعیت رقت‌بار کارگران کارخانه‌های متذکره روشنی بیاندازیم و چهره‌استثمارگرانه صاحبان سرمایه را افشاء نماییم.

ساعت ۴۰ ساعت اگر منفی شود کارباقیمانده مساوی است به ۳۲ ساعت اضافه یعنی چهار روز هشت ساعت کار اضافه در هفته! این ۳۲ ساعت یا به زبان ساده‌تر چهار روز هشت ساعت کار اضافه عبارت است از استثمار نیروی کار توسط کارخانه‌جات.

گزارش‌های متعدد رسیده از کارخانه‌های پارک‌های صنعتی پل چرخی، وضعیت کارگران فنی و غیرفنی آنان را وخیم و تأسف بار بیان میکند.

حالا یک مقدار وسیع تر در نظر می‌گیریم:

اگر در نظر داشته باشیم کارگران ماهوار ۲۶ روز کار کنند درین صورت ۲۶ روز ضرب ۱۲ ساعت کاریومیه مساوی است به ۳۱۲ ساعت کار بطور ماهوار!

ساعات کار کارگران کارخانه‌ها بسیار طولانی است، معاش و دست‌مزد آنها بسیار اندک است. صاحبان کارخانه‌های متذکره یک شبانه‌روز (۲۴) ساعت را در دو شیفت کاری تنظیم کرده‌اند؛ شیفت روز از ساعت ۶:۰۰ صبح آغاز و به ساعت ۶:۰۰ شام ختم می‌گردد، شیفت شب از ساعت ۶:۰۰ شام آغاز و به ساعت ۶:۰۰ صبح روز بعد ختم می‌گردد. کارگران مکلف‌اند سر ساعت معین به کار آغاز کنند و سر ساعت معینه جاهای خویش را با کارگران دیگر تعویض نمایند. از یک سو کارگران مکلف‌اند همانند ماشین‌های کارخانه کار کنند و از سوی دیگر با دوربین‌های مدار بسته تحت مراقبت قرار دارند. اندک اهمال و غفلت مساوی است با از دست دادن همان کار طاقت‌فرسا!

در حالیکه اگر به صورت نورمال کارگران هفته‌ای ۴۰ ساعت کار انجام دهند، درین صورت میزان کار نورمال کارگران بصورت ماهوار مساوی خواهد بود به ۱۷۶ ساعت کاری!

حالا با یک تفریق ساده میزان استثمار نیروی کار را در میابیم:

یک محاسبه ساده میتواند میزان بهره‌کشی فرد از فرد را برایمان وضاحت دهد:

اگر از ۳۱۲ ساعت ماهوار مقدار ۱۷۶ ساعت کار نورمال را تفریق کنیم درین صورت مازاد کار مساوی است به ۱۳۶ ساعت اضافه کار که از طرف صاحبان کارخانه‌جات پرداخت نمیشود.

هر کارگر اگر روزانه ۱۲ ساعت کار نماید و هفته‌شش روز کار کند درین صورت هفته‌۷۲ ساعت کار را انجام داده است.

درین صورت به خوبی دیده می‌توانیم که ۱۳۶ ساعت ماهوار اضافه در صورتیکه این عدد را تقسیم هشت ساعت نورمال کار کنیم مساوی خواهد شد به ۱۷ روز کار اضافه در ماه که هیچ حقوقی از طرف صاحبان کارخانه‌جات پرداخت نمیشود.

در حالیکه میزان کار افراد به اساس قانون کار هفته‌ای شش روز معادل ۴۰ ساعت در هفته میباشد.

اگر یک تفریق ساده انجام دهیم دیده میشود که از ۷۲

ماهر در برابر هر ساعت کار از ۲۲,۴۳ افغانی (بیست و دو اعشاریه چهل و سه افغانی) الی ۳۸,۴۶ افغانی (سی و هشت اعشاریه چهل و شش افغانی) مزد به دست میاورند.

باید توجه داشته باشیم که ارزش تولید شده در هر ساعت کار توسط هر کارگر ساده و ماهر معادل ۱۲۹,۸ (یکصد و بیست و نه اعشاریه هشت) برابر مزد به دست آمده است. یعنی یک کارگر ساده با معاش هشت هزار افغانی ماهوار ارزش تولیدی کارش عبارت است از: 1,038,462 افغانی یعنی یک میلیون و سی و هشت هزار و چهارصد و شصت و دو افغانی در یک ماه!

یکی از دلایل عمده متمول شدن زود هنگام کارخانه داران، استفاده از ارزش اضافی است که توسط کارگران کارخانه ها تولید می شوند و به صورت مکمل به جیب صاحبان سرمایه و کارخانه داران می رود.

ضمناً کارگران در طول هفته صرف یک روز جمعه حق رخصتی دارند. غیر حاضری کارگران مساوی است با از دست دادن کار سخت و طاقت فرسایشان. وضعیت در بیرون از کارخانه ها نیز طوری است که بیکار شدن از کاری ولو طاقت فرسا مساوی است با بیکاری مطلق، گرسنگی و فقر شدید!

کارگران به دلیل بیکاری شدید و رنج و فقر مجبورند شرایط سخت و دشوار کارخانه ها را تحمل کنند تا خود و خانواده هایشان را از فقر، تنگ دستی و نهایتاً مرگ نجات دهند. این در حالی است که قانون کار، ساعات کار را در یک روز هشت ساعت و در یک هفته ۴۰ ساعت تعیین کرده است. هر کارگری که در روز و هفته بیش از آن کار کند مستحق اضافه کاری می گردد که این اضافه کاری نیز از طرف صاحبان سرمایه نیز غارت می گردد.



در یک محاسبه ساده دیگر در میابیم که استثماری کارگران به چه میزان مضاعف است:

گفتیم کارگران ماهوار ۲۶ روز کاری کار میکنند. البته این در صورتی است که روزانه ۱۲ ساعت کار انجام دهند یعنی:

$$۲۶ \text{ ضرب } ۱۲ = ۳۱۲ \text{ ساعت}$$

اگر هشت ساعت کار را در نظر بگیریم درین صورت کارگران ۲۲ روز کاری جمع ۱۷ روز اضافه یعنی ۳۹ روز در ماه کار میکنند:

$$۳۹ \text{ ضرب } ۸ = ۳۱۲ \text{ ساعت}$$

اگر ۴۰ ساعت کار نورمال را در هفته در نظر بگیریم درین صورت باز هم به عین شکل ۱۷۶ ساعت در ماه جمع ۱۳۶ ساعت اضافه کاری باز هم عین معادله به دست می آید:

$$۱۷۶ \text{ (ساعت نورمال)} + ۱۳۶ \text{ (ساعت اضافه کاری)} = ۳۱۲ \text{ ساعت}$$

در هر سه معادله فوق ساعات کار ۳۱۲ محاسبه شده اند و تفاوت آن بصورت فاحش معلوم است. تفاوت میان ۳۱۲ ساعت کار (استثمار مضاعف) و ۱۷۶ ساعت (کار نورمال) یعنی:

$$۳۱۲ \text{ ساعت منفی } ۱۷۶ \text{ ساعت} = ۱۳۶ \text{ ساعت}$$

$$۱۳۶ \text{ ساعت تقسیم } ۸ \text{ ساعت} = ۱۷ \text{ روز کاری}$$

این مقدار عبارت از کار مازاد و به بیان بهتر میزان استثمار نیروی کار توسط صاحبان کارخانه جات متذکره شمرده میشود.

کارگران ساده کارخانه های متذکره در بدل کار طاقت فرسا و سنگین از ۷۰۰۰ افغانی الی ۸۰۰۰ هزار افغانی در هر ماه مزد دریافت می کنند. یعنی کارگران ساده در برابر هر ساعت کار از ۲۲,۴۳ افغانی (بیست و دو اعشاریه چهل و سه افغانی) تا ۲۵,۶۴ افغانی (بیست و پنج اعشاریه شصت و چهار افغانی) مزد به دست می آورند و هیچ امتیاز دیگری از قبیل اضافه کاری و غیره ندارند.

کارگران نسبتاً ماهر از ۷۰۰۰ افغانی الی ۱۲۰۰۰ هزار افغانی در هر ماه مزد به دست می آورند. یعنی کارگران



## تمام احزاب راجستر شده، ارتجاعی و تسلیم طلب هستند.

جرئت



به اصطلاح بین المللی به رهبری نیروهای اشغالگر امریکایی از همان روز تجاوز به افغانستان زیر ماسک دروغین سرکوب تروریسم، دفاع از حقوق زنان و موازین حقوق بشر خود را پنهان نموده و خواستند با این حيله و نیرنگ تجاوز و اشغالگری خود را رنگ و روغن بشر دوستانه بدهند.

از ابتدای شکلدهی رژیم دست نشانده به رهبری حامد کرزی این شاه شجاع سوم، اشغالگران امپریالیست شروع به پیاده نمودن پلانهای شوم شان توسط رژیم دست نشانده نمودند. نیروهای نظامی سر و سامان یافت، اشغالگران بر اوضاع سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی تسلط حاصل نمودند، زیرا از یکسو در چند سال اول نیروی های شکست خورده امارت اسلامی طالبان رمق مخالفت های نظامی را از دست داده بودند. از سوی دیگر نیروهای انقلابی کشور در حالت پراکندگی بسر می بردند و متاسفانه که تا کنون نتوانسته بطور شاید و باید بر یک محور جمع شوند، این دو موضوع سبب گردید که اشغالگران امپریالیست به آسانی بتوانند پلان های شوم شانرا پیاده نموده و امور سیاسی، نظامی و اقتصادی کشور نظر به خواست ایشان پیش رود.

شعارهای به اصطلاح بازسازی، حقوق زن، آزادی بیان که در اوج تبلیغات کشورهای اشغالگر قرار داشت، توسط نیروهای

بعد از سقوط امارت اسلامی افغانستان توسط بم افکن های B52 امپریالیست های اشغالگر از هوا و نیروهای زمینی امریکایی (نیروهای ائتلاف شمال)، اشغالگران امپریالیست به شکلدهی یک رژیم دست نشانده - آش شله قلم کاری از نیروی های بی رمق ائتلاف شمال، گروه روم، خلقی - پرچمی ها و تسلیم شده گان شعله یی - پرداختند. در راس این رژیم، شاه شجاع سوم (حامد کرزی) قرار گرفت. شکلدهی چنین رژیمی بر مبنای توافقات بن صورت گرفت. قبل از اینکه این رژیم شکلدهی شود پیاده نظام های نیروهای ائتلاف شمال، مخصوصا نیروهای جمعیت اسلامی که در راس آنها فهیم، یونس قانونی و عبدالله قرار داشتند، با پشتیبانی نیروهای هوایی اشغالگر امریکایی داخل کابل شده و در مناطق مهم جابجا شده بودند.

در ابتدا رژیم دست نشانده آنچنان ضعیف و کم زور شکل گرفت که از همان روز اول آمدن حامد کرزی در کابل هویدا بود که این رژیم نمی تواند متحدان در جهت منافع اربابان اشغالگرشان گام بر دارد و به پیش رود.

از همان ابتدا روشن بود که قوای اشغالگر امپریالیستی به رهبری نیروی های اشغالگر امریکا، در افغانستان پلان های دراز مدت دارند. در چند ماه اول دولت موقت، امنیت شهر کابل توسط نیروهای خارجی آیساف اداره می گردید. نیروهای اشغالگر

« حزب وطن »، « حزب متحد ملی »، « نهضت آینده افغانستان » و... متشکل از بقایای خلق و پرچم اند. اینها تا دیروز در خدمت رویزیونیست‌های سوسیال امپریالیزم روس قرار داشتند و بخاطر تامین منافع اشغالگران سوسیال امپریالیزم از هیچ جنایتی دریغ نکردند. و امروز در خدمت اشغالگران امپریالیست در آمده و برای تامین منافع اشغالگران شان گام بر می دارند.

جبار قهرمان که خودش را رهبر «حزب وطن» جا زده است، همان جبار قهرمان دیروز است که در آدم کشی و جباریت، رفیق نجیب گاو بود، امروز با حنیف اتمر و دیگر هم قطارانش در صف مقدم جنایت بخاطر انقیاد کامل کشور می رزمند. او و هم‌قطاران تسلیم شده اش نمی تواند بهتر از گذشته جنایتکارانه شان عمل نمایند.

رشید دوستم، همان ملیشه بدنام و گلیم جم دیروز است، امروز هم در جنایت و میهن فروشی چند گام جلو گذاشته است که تا گلو در بخون کشانیدن مردم غرق بوده و در خرابی و ویرانی و انقیاد طلبی دست کمی از دیگر جنایتکاران ندارد.

رژیم پوشالی که از همان ابتدا متشکل از نیروهای مختلف ارتجاعی میهن فروش و تکنوکرات‌های غربی شکل گرفت، مملو از تضاد و کشمکش بر سر گرفتن مقامات دولتی بود. این تضاد و کشمکش زمینه ساز فساد گسترده اداری در مقامات رژیم پوشالی گردید. این فساد گسترده باعث شد تا اکثریت جوانانی که دوره تحصیلات شان را به اتمام می رسانند نتوانند کاری برای شان پیدا کنند. زیرا برای به دست آوردن یک ماموریت کوچک حتی معلمی در ادارات رژیم، یا باید واسطه قوی داشته باشی و یا اینکه پولی برای رشوت داشته باشی، در غیر آن شامل کار نخواهی شد.

یک تعداد از جوانان نا آگاه دارای افکار خرده بورژوازی یک نوع سیاست زدایی انقلابی و ملی را در پیش گرفته اند، اساسا اشغال کشور برای شان مطرح نیست و روحیه مبارزات ملی و انقلابی را نیز از دست داده اند، برای اینکه کاری برایشان دست و پا کنند خویشتن را در خدمت یکی از احزاب ارتجاعی صاحب قدرت در رژیم پوشالی قرار داده اند تا به رویاهای شان دست یابند. فقط تعداد انگشت شماری از این جوانان به رویاهای شان می رسند، بقیه حتی کوچکترین امتیازی نمی توانند بدست آورند.

### مبارزین، روشنفکران ملی و انقلابی، توده های زحمتکش کشور!

هویت و چهره حقیقی تمامی احزاب ارتجاعی تسلیم شده و تسلیم طلب را باید فاش نمود و نقاب کذب شانرا پاره کرد. تا اینکه جوانان نا آگاه و بی خبر این کشور به دام چنین احزابی نیافتند. این وظیفه و رسالت همه نیروهای انقلابی ملی و دموکرات می باشد.

### جوانان انقلابی و روشنفکران آگاه!

یگانه راه خلاصی از این همه مصیبت ها بیرون راندن قهری اشغالگران و سرنوشتی رژیم پوشالی و استقرار جامعه دموکراتیک نوین می باشد.

پس برای اخراج قهری اشغالگران امپریالیست و سرنوشتی رژیم پوشالی متحدانه به پیش!

میهن فروش بصورت بسیار وسیعی تبلیغ گردید و به فریب و اغواگری توده های زحمتکش پرداختند. در چنین صورتی بود که موج تسلیمی و تسلیم طلبی از درون نیروهای به اصطلاح شعله یی نیز سر بلند نمود و در خدمت تامین منافع اشغالگران و پیاده نمودن اهداف شان به تبلیغ و ترویج گسترده ای پرداخت و به این طریق آنها کمک شایانی در انقیاد توده های زحمتکش افغانستان به اشغالگران نمودند. هر چه از عمر رژیم دست نشانده گذشت این تبلیغات وسیع تر گردید، اشغالگران امپریالیست برای این تبلیغات پول های هنگفتی را مصرف نمودند. تمامی رسانه ها از تلویزیون و رادیو گرفته تا روزنامه ها در خدمت اشغالگران قرار داشته و دارند. و اما بعد از گذشت یک و نیم دهه توده ها دریافتند که این مسایل فقط روپوشی برای قانون مند شدن حضور نیروهای اشغالگر و بقا و دوام رژیم ساخته و پرداخته آنها بوده است نه چیز دیگر. چنانچه بعد از یک و نیم دهه به اثبات رسیده است که بزرگترین تروریست در جهان اشغالگران امپریالیست اند. آنها نه تنها علیه تروریزم نمی جنگند بلکه بیشتر به تقویت آن در سراسر جهان می پردازند. وضعیت نابهنجار افغانستان، سوریه، عراق، فلسطین، یمن ... زبان گویای این مدعا است. تمام مصیبت هایی که تا امروز نصیب مردم زحمتکش افغانستان گردیده نتیجه همین تروریزم عریان اشغالگران امپریالیست می باشد.

طوری که قبلا بیان گردید که پس از اشغال افغانستان تسلیمی و تسلیم طلبی در میان قشر تحصیل کرده خرده بورژوا شکل گرفت و روز به روز دامنه اش گسترده گردید، به این اساس هزاران حزب، سازمان و نهادهای اجتماعی تسلیم طلب سر بلند نمود و در وزارت عدلیه رژیم دست نشانده رسماً ثبت و راجستر گردید. این احزاب چگونه احزابی هستند؟ به یقین گفته میتوانیم که تمام احزاب راجستر شده در وزارت عدلیه رژیم، ماهیت ارتجاعی تسلیمی و تسلیم طلبی داشته و دارند. این احزاب، سازمانها و نهادهای اجتماعی نه تنها در مورد اشغال کشور توسط امپریالیزم اشغالگر امریکا و شرکا، مهر سکوت بر لب زده اند بلکه تن به انقیاد داده و اشغال کشور را تأیید می نمایند. چنانچه مرامنامه های هر یک از این احزاب بیان کننده ماهیت ارتجاعی تسلیمی و تسلیم طلبی شان می باشد. در این نوشته ما قصد نداریم مرامنامه و اساس نامه های احزاب تسلیم طلب را به تحلیل و بررسی بگیریم، بلکه می خواهیم نقش خائنانه شانرا در کشاندن جوانان بسوی تسلیم طلبی و انقیاد ملی بر ملا و افشاء نمائیم.

احزاب سابق و احزاب نو راجستر شده در وزارت عدلیه رژیم پوشالی تلاش دارند تا انقیاد ملی را در میان نسل جوان کشور گسترش دهند. زیرا منافع اشغالگران با گسترش انقیاد ملی تامین می گردد. هر قدر که نسل جوان و توده های زحمتکش به انقیاد ملی تن دهند به همان اندازه نیروهای ارتجاعی و میهن فروش از دستر خون آلود سهم می برند.

این احزاب ماهیتا هویت تسلیم طلبی داشته و دارند و در نوکری و چاکرمنشی به درگاه اشغالگران امپریالیست دست کمی از یکدیگر ندارند. این احزاب نیز در صف دشمنان عمده کشور قرار دارند و هیچ گاهی با این خط و مرام نمی توانند در صف توده های زحمتکش قرار گیرند، و هیچ گاهی نمی توانند از طبقه کارگر کشور نمایندگی کنند و لو هر ماسکی به چهره خود بکشند.



## گوشه‌هایی از فسادهای گسترده در مجلس نمایندگان (ولسی جرگه) افغانستان

اطلاعات درز کرده از درون پارلمان رژیم

گزارشگر: م. اخگر (تاریخ: ۱۳۹۷/۱/۱۰)



گردید. سه پست دیگر بار بار در روزهای متعدد به رای گیر گذاشته شد.

گفته می‌شود مخالفان حکومت که نیابت اول و دوم را از آن خویش ساختند حدود چهار میلیون دالر آمریکایی را به مصرف رسانده‌اند که دو میلیون آنرا جنرال عبدالرازق قوماندان امنیه برحال ولایت کندهار و دو میلیون دیگر را عطا محمد نور والی برکنار شده ولایت بلخ به عنوان مخالفان حکومت فرستاده بودند. این پول‌های کلان بین به اصطلاح نمایندگان مردم جهت اخذ آرای آنها به نفع مخالفان حکومت توزیع گردیده است. گفته می‌شود مبلغ هنگفتی که ارقام دقیقی از آن ارائه نمی‌شود از سوی حکومت و طرفداران تیم اشرف غنی احمد زی برای شکست دادن مخالفان به مصرف رسیده است که نتیجه مطلوب در پی نداشته است. لاجرم مقدار آن نسبت به پول مخالفان کمتر بوده است.

البته آنچه گفته شد گوشه ای از فسادهای گسترده و وسیع به اصطلاح نمایندگان مردم در ولسی جرگه است.

تعیین و انتخاب هیأت اداری مجلس نمایندگان (ولسی جرگه) همه ساله با مصارف گزاف و فساد سرسام آور صورت می‌گیرد. انتخاب چهار تن در هیأت اداری مجلس متذکره (نایب اول، نایب دوم، منشی و نایب منشی) معمولاً بین ۲-۳ هفته طول می‌کشد. برای احراز یک پست بار بار بین به اصطلاح نمایندگان رای گیری صورت می‌گیرد، هر بار رای گیری مصارف هنگفت را برای نامزدان پست‌های متذکره و حامیان آنان به دنبال دارد. البته هیچ گاهی نمی‌توان اسناد موثق مثل فلم، صدا و سند کتبی از این معاملات و فسادها به دست داد؛ زیرا تماماً با احتیاط لازم و در پشت درهای بسته انجام می‌گیرد. ولی چنین فساد و معاملات با تمام احتیاط و پنهان کاری به اصطلاح نمایندگان مردم از آفتاب هم روشن تر است.

انتخابات هیأت اداری مجلس نمایندگان (ولسی جرگه) نسبت به سال‌های قبل بیشتر خیرساز گردید. زیرا در یک سو حکومت و در سوی دیگر مخالفان حکومت برای به دست آوردن پست‌های نیابت اول و دوم و منشی سعی و تلاش می‌کردند و بین وکلا پول و امتیاز توزیع می‌کردند. تنها عرفان الله عرفان در رای گیری علنی و بدون رقابت به عنوان نایب منشی انتخاب

## نقد فیلم سینمایی «ماشین جنگی»

## محصول سال ۲۰۱۷ شرکت فیلم سازی نیت فلکس امریکا

جرئت: ۳ حمل ۱۳۹۷



قسمت زیادی از فیلم ماشین جنگی در ابوظبی، پایتخت امارات متحده عربی تهیه شده است. تمامی مراحل ساخت این فیلم توسط ارتش امارات حمایت و تامین امنیت شده است. «یابر-ایس»، «جرمی کلینر» و «براد پیت» تهیه کنندگان ماشین جنگی و «جیمز اسکات شد پل» نیز مدیر اجرایی آن می باشد. «براد پیت» در این فیلم با نام جنرال «گلن مک ماهون» ظاهر می شود که در اصل نقش جنرال چهارستاره امریکائی بنام «استن لی مک کریستال» را بازی کرده است. «نت فلکس» برای ساخت این فیلم ۷۰ میلیون دلار هزینه کرده که تنها ۳۰ میلیون آن به «براد پیت» داده شده است.

فیلم «WAR MACHINE» محصول سال ۲۰۱۷ میلادی توسط «دیوید میشد» نویسنده و کارگردان استرالیایی کارگردانی شده است. در این فیلم بازیگرانی همچون «آنتونی مایکل هال»، «توفر گریس»، «ویل پولتر»، «تیلدا سوئین تن»، «بن کینگ زلی»، «آنتونی هایس»، «اموری کوئن»، «آرچی کایلر»، «جان ماگارو»، «اسکوت مک نری»، «کیت استن فیلد»، «آلن راک»، «مگ تیلی»، «گریفین دان»، «جاش استوارت» و «راسل کرو» در کنار «براد پیت» ایفای نقش کرده اند.

این فلم نسخه تخیلی شده از کتابی درباره جنرال چهار ستاره ارتش امریکا «استن لی مک کریستال» در دوران فرماندهی او بر نیروهای ائتلاف در افغانستان است.

ما می خواهیم به گوشه هایی از این فیلم اشاره ای داشته باشیم تا هم برای خوانندگان و هم برای بینندگان این فیلم وضاحتی از بابت اهداف ساخت چنین فیلم توسط هالیوود با هزینه ای که در فوق ذکر گردیده، ارائه نماییم. بدین خاطر اجازه می خواهیم مسائل را از چند نگاه به شرح ذیل دسته بندی نماییم:

فلم چنین آغاز می شود:

به گلن خبر داده می شود که قومندان عمومی نیروهای نظامی امریکا در افغانستان تعیین شده است و باید افغانستان برود.

از اشغال افغانستان توسط امپریالیزم لجام گسیخته امریکا حدود شانزده و نیم سال می گذرد. در طی این شانزده و نیم سال، جنگ، کشتار، ویرانی و آوارگی هزاران هموطن خود را شاهد هستیم. این جنگ، طولانی ترین جنگ امریکا گفته میشود در حالیکه همه به خوبی میدانیم که اشغالگران امپریالیست این جنگ را بخاطر ترویج به اصطلاح دموکراسی و به اصطلاح آزادی زنان از قید اسارت طالبان به راه نیانداخته اند؛ بلکه این جنگ، یک جنگ تمام عیار تجاوزگرانه و اشغالگرانه است که در طی شانزده و نیم سال گذشته نه تنها کشور ما را به استعمار تمام عیار خود در آورده و استقلال و آزادی ملی مردمان این کشور را گرفته است بلکه میرود تاریخ استعمار این کشور را طولانی تر سازد.

به رویت این جنگ خونین اشغالگرانه و تجاوزکارانه امپریالیستهای لجام گسیخته امریکایی، فیلم سینمایی «ماشین جنگی» محصول سال ۲۰۱۷ میلادی توسط شرکت فیلم سازی «نیت فلکس» [NETFLIX] و «پلن بی انترتینمنت» [Plan B Entertainment] (شرکتی مربوط به براد پیت) که از شرکت های فیلم سازی هالیوود است، به بازار سینما عرضه شد. همچنان این فیلم اخیرا به زبان فارسی نیز دوبله و برگردان شده است.

فیلم ماشین جنگی اقتباسی از رمان پر فروش گردانندگان:

«The Operators: The Wild & Terrifying inside Story of America's War in Afghanistan»

«اپراتورها: وحشی و وحشتناک در داخل داستان جنگ امریکا در افغانستان»

اثر روزنامه نگار معروف امریکایی «مایکل هستین گیز» می باشد که به صورت کنایه آمیز و طنزی به جنگ افغانستان و استفاده ماشین آلات جنگی در این کشور پرداخته است.



پس از مطالعه جنرال گلن در میابد که با تعداد نیروهایی که دارد نمی تواند ولایت هلمند را تسخیر کند ، به این اساس از دولت امریکا سرباز بیشتر تقاضا میکند و این تقاضای وی از طرف اواما نیز رد میگردد و او نمیتواند نیروهای بیشتری که به آن ضرورت دارد، به افغانستان بیاورد. همچنان گلن نمیتواند جلوی کشت دهاقین را در کشت مواد مخدر (خشخاش) را بگیرد بدین خاطر که مقام های دولت امریکا اجازه جلوگیری از کشت خشخاش را برایش نمیدهد و به او میگویند که محصولات جایگزین از قبیل پنبه با محصولات کشاورزان امریکا رقابت خواهد کرد.

وی تصمیم میگیرد اروپا برود و از متحدین امریکا ( بیشتر از فرانسه و آلمان ) نیروی نظامی درخواست کند. در این سفر می خواهد با اواما رئیس جمهور امریکا ملاقات کند و طرحاتش را با وی روبرو مطرح کند ، اما اواما وی را دست کم میگیرد و فقط ملاقات شان در میدان هوایی فرانسه با یک سلام علیکی خلاصه می شود . گلن شخصا در محفل ضیافتی که درباره افغانستان گرفته شده است با سران دولت های فرانسه ، آلمان ، ایتالیا و... بحث و گفتگو می کند و با آنها به نتیجه میرسد که عملیات مشترکی در ولایت هلمند ، علیه مخالفین دولت ( طالبان ) داشته باشند. وی به افغانستان بر می گردد و عملیات مشترک شانرا در ولایت هلمند علیه طالبان برنامه ریزی می کند. قبل از شروع عملیات یک بار دیگر با حامد کرزی ملاقات می کند و درباره عملیات همایش بحث و گفتگو می کند و رضایت حامد کرزی را جلب می کند . عملیات در همان شب ملاقات شروع می شود . در این عملیات چند غیر نظامی کشته می شود.

در ادامه دیده میشود که گلن با یک تن از تفنگداران نظامی زبردست خود بنام «لیکیت استنفیلد»، که یک تفنگدار عصبی آمریکایی است روبرو میشود. این تفنگدار نظامی می پرسد که استراتژی ضد و نقیص او چگونه کار می کند؟! تفنگدارانی که کشتن را آموزش دیدند، حالا به آنها گفته شده که از خود شجاعت در خویشتن داری نشان دهند؟ بر علاوه می افزاید: « من

گلن بساطش را جمع نموده با چند نفر خاص خود به افغانستان می آید . جنرال گلن با اعتماد به نفس بالا به کابل میرسد و فرماندهی را از جنرالی که در فرماندهی این جنگ ناکام شناخته شده به دست میگیرد و رو به طرف دستیاران خود میکند و با قدرت کلام میگوید: « برویم تا برنده این جنگ شویم» و «بیباید این جنگ را پایان دهیم». ولی در مقابل دستیاران او پرده از راز این ناکامی را برداشته و او را آگاه میسازند اولاً برایش میگویند: «شما نمی توانید اعتماد یک کشور را با اشغال آن بدست آورید.» و ثانيا برایش میگویند: «شما نمی توانید توسط زور اسلحه، یک ملت بسازید.»

گلن وضعیت افغانستان را نابسامان می یابد . خصوصا وضعیت ولایت هلمند برایش تشویش هایی را ایجاد میکند. تصمیم میگیرد به آن ولایت برود ، اما قبل از رفتن به آن ولایت با حامد کرزی ملاقات می کند و درباره ولایت هلمند طرحات و نظریاتش را بیان می کند.

وی درین ملاقات خطاب به حامد کرزی میگوید: «ما افغانستان را به یک کشور آزاد و مرفه تبدیل می کنیم». کرزی با لبخندی در پاسخ او را همراهی کرده و به او می گوید: «این مانند یک مسیر قدیمی به نظر می رسد.» ولی با آنهاهم با ارائه طرح به ولایات قندهار و هلمند سفر نموده و با ریش سفیدان آنها ملاقات می کند. از وضعیت مردم خود را مطلع میسازد.

در ادامه فیلم نشان میدهد که گلن با «تیلدا سوئین تن»، که نقش یک سیاستمدار آلمانی را بازی می کند، روبرو شده و او برای گلن می گوید: «حضور شما در سراسر افغانستان گسترش یافته و درگیر ۱۰۰۰ جنگ جداگانه با افراد محلی هستید، افرادی که شما را در محل خود نمی خواهند و این جنگی است که شما هرگز در آن پیروز نخواهید شد». جنرال گلن مک ماهون در سکوت فرو می رود.



نمی توانم تفاوت میان مردم و دشمن را ببینم.» او ادامه میدهد: «همه آنها برای من یکسان معلوم می شوند. ما نمی توانیم که در عین زمان آنها را کمک کنیم و هم بکشیم؛ اصلاً گیج شده ام.»



این وضعیت گلن را نیز پریشان می سازد و گزارشش را به دولت امریکا ارسال می کند اما گزارش وی قبل از اینکه بررسی شود افشا می شود و در نتیجه گلن از وظیفه اش برطرف شده و دوباره به امریکا برگردانده میشود.

ظاهر این فلم چنین است، اما چند موضوع است که باید درباره اش مکت کرد:

### اول) شخصیت حامد کرزی :



در این فیلم نقش حامد کرزی را «بن کینگزلیلی» (با تمام تیکهای عصبی کرزی) بازی کرده است و فقط حامد کرزی دوبار درین فیلم ظاهر شده است و هر دو بار زمانی نشان داده میشود که گلن قصد ملاقات با وی را دارد. در اصل محتوی فیلم طوری است که میخواهند نشان دهند که کرزی یک رئیس جمهوری به اصلاح منتخب مردم است و یک رئیس جمهوری مستقل با کشوری مستقل که در عملیات های نظامی نیروهای اشغالگرا امپریالیستی بتواند مستقلانه تصمیم بگیرد و مشوره و رای بدهد. این فیلم نشان میدهد که حامد کرزی با وجود سرماخوردگی که عاید حالش شده حاضر است به خاطر «منافع ملی کشورش» در حالات مریضی های مدهش و جانکاه نیز گلن را ملاقات کند و در خصوص نجات به اصطلاح کشورش به وی رهنمود دهد.

این قسمت برای کسانی که میدانند افغانستان مورد تهاجم نظامی اشغالگرانه امپریالیستهای یانکی قرار گرفته یک موضوع کاملاً مسخره و بی محتوی است. کشوری که اساساً تمام زیرساختارهای نظام حاکمیت پوشالیان وطنی اش متکی بر کمک های خارجی است و تمام وطن فروشان و میهن فروشان زیر چتر اشغالگران درآمده اند نمیتوانند به غیر از عروس کوی در دست اشغالگران چیز دیگر به شمار آیند. بناء آن عده از بینندگان که این فیلم را مشاهده کرده اند و یا اینکه در صدد مشاهده به این فیلم هستند باید متوجه این نکته از گمراه کنندگی دست اندرکاران هالیوود باشند و اغوای نیرنگ خام بازی ها و خام اندازی ها نشوند.

### دوم) ساخت و فیلم پردازی:



یکی از هنرمندی های فیلم برداران این است که میخواهند تصاویر حقیقی از جهان عینی و روند عادی زندگی را به مردم بیان کند. آنچه را درین فیلم مشاهده میکنیم صحنه سازی های ارگ ریاست جمهوری، سفارت امریکا در کابل و جاده و سرک های قندهار و هلمند و روستاهای اطراف آن است.

چیزی را که هر بیننده ای میتواند به خوبی استنباط نماید صحنه های غیر واقعی از یک موقعیت جغرافیایی مثل افغانستان درین فیلم است که کارگردان نتوانسته آنها بهتر بازتاب دهد. دلیل این کار نیز مشخص است، این فیلم همانطوری که گفته شد در ابوظبی فیلم برداری شده است و صحنه های خیالی از موقعیت های فوق در دشت های سوزان ابوظبی صحنه آرائی گردیده است. بناء بیننده باید متوجه باشد که این صحنه واقعی قریه جات و روستاهای هلمند و قندهار نیست بلکه دشت های سوزان ابوظبی است.

در ضمن بیننده میتواند به خوبی متوجه گردد که رئیس جمهور دست نشانده ای مانند کرزی نمیتواند مایل نداشته باشد، یا اینکه فرنیچر اتاق وی کهنه و فرسوده و تلویزیون او نیز خراب و بیکاره باشد. اینها نیز شواهدی بر صحنه سازی های غیر واقعی این فیلم سینمایی است، با وجودیکه حدود ۷۰ میلیون دالر نیز هزینه در برداشته است.



## سوم) بازتاب دروغین قهرمان بازی‌های نیروهای اشغالگر نظامی در فیلم:



درین فیلم، «نت فلکس» کوشش کرده است از نیروهای متجاوز امریکائی در افغانستان به شکلی قدردانی نماید. بدین مفهوم که آنان را قهرمانان و مراقبان اصلی و حامیان به اصلاح صلح و امنیت جا بزند. در حالیکه همه به خوبی میدانیم که نیروهای اشغالگر امریکائی نه صلح طلب هستند و نه مراقبان و حامیان ملت‌های ستمدیده کشورهای تحت مستعمره‌شان، بلکه برعکس آنان قاتلان حرفه‌ای هستند که به غیر از کشتار و خشونت چیز دیگری برایشان آموزش داده نشده و نمیشود. به آنان گوشزد میشود که هرکسی به مقابل‌شان حضور یافت دشمن جنگ و جنگجو محاسبه میگردد و آنان حق دارند بر او شلیک نمایند.

درین فیلم کوشش به عمل آمده که نیروهای اشغالگر نظامی را بی حد و حصر با روحیه، سرشار از عشق و دوستی، مهربان و دلسوز نمایش داده شوند در حالیکه همه به خوبی میدانیم که قضیه کاملاً برعکس این مسائل است. نیروهای تا دندان مسلح اشغالگران امپریالیست در خاک افغانستان و در میدان جنگ فوق‌العاده بی روحیه، ترسو و مشوش هستند. دلیل آن نیز مشخص است، ما از سرزمینی دفاع میکنیم که مربوط به خودمان میباشد، کشوری که حراست از تمامیت ارضی آن مسئولیت عام و تام اولاد این وطن است.

## چهارم) تعریف و تمجید خاص از نیروهای اشغالگر امریکائی:



چیزی دیگری که در این فیلم قابل توجه است، تعریف و تمجید خاص از نیروهای اشغالگر امریکائی است. درین فیلم کوشش به عمل آمده که نقش امریکا را در صحنه جنگ تجاوزکارانه برجسته تر از سایر شرکاء بین‌المللی‌شان نشان دهد، هرچند میدانیم که رهبری جنگ تجاوزکارانه به عهده امپریالیست‌های اشغالگر امریکائی است اما به اساس محاسبات نظامی و تقسیم نیروهای ائتلاف در چوکات جنگ تجاوزکارانه، سهم شرکاء درین فیلم نادیده گرفته شده است. همچنان نقش شرکاء درین جنگ به شکل زور و اجبار به نمایش گذاشته شده است در حالیکه پیمان اتلانتیک شمالی (ناتو) به فرمایش همه دست‌اندرکاران تجاوز و اشغالگری به صحنه عمل پیاده گردیده است. و در بیدادگری‌ها و تجاوزگری‌ها تمام آنان دست‌باز داشته‌اند و صرفاً امریکا نبود که این جنگ تجاوزکارانه را به پیش سوق داده باشد.

## به هر حال:



افغانستان کشوری است مستعمره - نیمه فئودال که تحت اشغال نظامی نیروهای ۴۹ کشور امپریالیستی و در راس آن امپریالیست‌های اشغالگر امریکائی در آمده است و هیچ راه چاره دیگری به جزء مقاومت همه‌جانبه ملی مردمی و انقلابی علیه اشغالگران امپریالیست و خائنین ملی دست‌نشانده‌شان برای نجات این کشور و مردمان کشور از زیر یوغ اسارت و بندگی موجود نیست.

پس به امید آن روز که برای استقلال و آزادی افغانستان متحدانه پیش‌رویم و نقش فریبنده فیلم‌های سینمایی که میخواهند مردمان سلحشور این دیار را به گمراهی سوق دهند، هرچه بیشتر افشاء نماییم.



## درگذشت یک تن از مبارزین کهنسال کشور



با ابراز تاسف که در شب ۲۲ جدی ۱۳۹۶ خورشیدی انجینر غلام سرور یک تن از مبارزین انقلابی کشور چشم از جهان فرو بست.

انجینر غلام سرور زندگی مالمال از تعهد انقلابی و خدمت به مردم زحمتکش افغانستان داشت. اندوه ما بسیار عمیق و فقدان این مبارز انقلابی بس جانکاه است. از آنجاییکه افغانستان مورد تاخت و تاز اشغالگران و میهن فروشان قلدرومنش قرار دارد، از دست دادن چنین مبارز انقلابی به منزله فقدانی برای زحمتکشان کشور محسوب می گردد.

انجینر غلام سرور از دوران جوانی که با مبارزات سیاسی کشور آشنایی پیدا نمود علیه بیدادگری های رژیم های فرتوت ایستاد و مبارزاتش را علیه این بیدادگری ها ادامه داد.

در زمان اشغال کشور توسط سوسیال امپریالیزم روس نیز به مبارزه برخاست و به جنگ مقاومت علیه اشغالگران روسی و رژیم دست نشانده پرداخت. او با این روحیه علیه نوکران امپریالیست های غربی نیز مبارزه نمود و به همین ترتیب علیه اشغالگران امپریالیست به رهبری امپریالیزم امریکا و خائنین ملی مبارزاتش را ادامه داد. او لحظه ای در مقابل اشغالگران و خائنین ملی سر فرود نیاورد و تسلیم نگردید.

ما در گذشت این مبارز انقلابی را به تمامی اعضای فامیل و تمامی رفقایش تسلیت می گوئیم.

یاد او را زنده و خاطراتش را گرامی می داریم.

### جنبش انقلابی جوانان افغانستان

۲۴ جدی ۱۳۹۶ خورشیدی



## ششم جدی، سالروز تجاوز سوسیال امپریالیست‌های شوروی را تقبیح کنیم

و

### مقاومت ملی مردمی و انقلابی خود را علیه اشغالگران امپریالیست کنونی و رژیم دست‌نشانده و اشغالگران مرتجع داعشی حدت بخشیم!

مقاومت‌های خودجوش توده‌های کشور و جانفشانی‌های آنان، گرچه توسط مرتجعین غصب گردید، اما آزادمنشی مردمان این خطه را ثابت ساخت و نشان داد که مردمان آزادی‌خواه این سرزمین هیچ‌گاه در مقابل قدرت‌های اشغالگر خارجی سر تسلیم خم نکرده و نخواهند کرد.

از اشغال کشور در ششم جدی ۱۳۵۸ تا کنون ۳۸ سال می‌گذرد. اما چیزی که در اذهان عموم زنده و جاوید باقی مانده اینست و فداکاری آزادی‌خواهان این سرزمین است که با خون خود درس آزادمنشی، استقلال طلبی و مبارزه بی‌امان در مقابل متجاوزین را به نسل‌های بعد به میراث گذاشته‌اند.

اینک وظیفه تک‌تک ماست تا ضمن تقبیح سالروز تجاوز سوسیال امپریالیزم شوروی به افغانستان، یاد جانباختگان راه آزادی و استقلال را گرامی بداریم و تجدید میثاق کنیم که برای بیرون راندن نیروهای اشغالگر کنونی و سرنگونی رژیم دست‌نشانده آنها از هیچ‌گونه اینار و فداکاری دریغ ننماییم و درین مبارزه و مقاومت تا آخر از پا ننشینیم.

ما تمامی نیروهای ملی، مترقی و انقلابی و تمامی اقشار و طبقات مردمی جامعه اعم از زن و مرد را به اتحاد عمل مبارزاتی و مقاومت همسو و مشترک در چوکات مقاومت ملی مردمی و انقلابی علیه اشغالگران و رژیم دست‌نشانده فرا می‌خوانیم. ما برین باوریم که فقط با برپایی و پیشبرد موفقیت آمیز چنین مبارزه و مقاومتی قادر خواهیم شد اشغالگران امپریالیست کنونی را از کشور بیرون برانیم، رژیم دست‌نشانده‌شان را از میان برداریم و با ایجاد قدرت ملی مردمی و انقلابی، در مسیر تامین خواست‌های اساسی ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی توده‌های مردم، به پیش گام برداریم.

به پیش در راه پیش‌برد مقاومت ملی مردمی و انقلابی علیه اشغالگران امپریالیست کنونی و رژیم دست‌نشانده و اشغالگران مرتجع داعشی!

### جنبش انقلابی جوانان افغانستان

ششم جدی ۱۳۹۶ خورشیدی

ششم جدی، خاطرات تلخ و فراموش ناشدنی را به همراه دارد که از تجاوز قوت‌های نظامی سوسیال امپریالیستی و اشغال این کشور توسط آنها تا پامال ساختن استقلال، آزادی ملی، منافع و حقوق خلق‌های ستم‌دیده این دیار حکایت میکند.

ششم جدی، روزی است که کشور ما به مستعمره تحت اشغال سوسیال امپریالیست‌های شوروی درآمد و تهاجم لجام‌گسیخته نظامی با حضور گسترده ۱۵۰ هزار نفری قوای اشغالگر زمینی و هوایی، حرکت آشکار تجاوزکارانه ای بود که منافع بلوک امپریالیستی رقیب "شوروی" و نیروهای وابسته اش را در منطقه مورد ضربت جدی قرارداد و تزاران نوین را در جهت نزدیک شدن به آبهای گرم بحر هند و خلیج فارس حریص تر ساخت.

ششم جدی، روزی است که اشغالگران سوسیال امپریالیستی نوکر جدیدش یعنی ببرک کارمل این شاه شجاع دوم را به جای امین به قدرت رسانده، تا از یک سوی بتوانند موقعیت جئوپولیتیک خود را در منطقه تحکیم کنند و از سوی دیگر مزدوران دست‌نشانده‌شان را بر سر قدرت نگه دارند؛ اما این کار نیز مطابق اهداف شان به پیش نرفت و مبارزه و مقاومت خودجوش و سرتاسری ای را علیه قوای متجاوز و اشغالگر سوسیال امپریالیستی دامن زد.

مبارزه ای که بعد از کودتای هفت ثور علیه رژیم مزدور در افغانستان به راه افتاد و مقاومت وسیع و سرتاسری ای که علیه قوای متجاوز و اشغالگر سوسیال امپریالیزم کران تا کران کشور را در برگرفت، عمدتاً مبارزات و مقاومت‌های خودجوش توده‌های مردم را در برمیگرفت که در عین حال، تحریکات و مبارزات سیاسی و نظامی نیروهای ارتجاعی وابسته به امپریالیزم غرب و ارتجاع منطقه و مبارزات نیروهای انقلابی و ملی را نیز شامل می‌شد.

اشغال کشور توسط سوسیال امپریالیست‌های خون‌آشام، افغانستان را به کانون حادثترین تضادهای جهانی میان دو ابرقدرت شرق و غرب تبدیل نمود. طوریکه با کودتای ننگین هفت ثور، امپریالیست‌های امریکائی سریعاً وارد عمل شده و صبغت‌الله مجددی را از مدینه به پاکستان آوردند و مقادیر عظیم کمک‌های مالی و نظامی ایالات متحده امریکا به پاکستان سرازیر گردید و به سازماندهی مجدد نیروهای ارتجاعی احزاب اسلامی منجر گشت.

## تو بدان که این غریو

تو بدان که این غریو

سرمست و جوان ، کهکشان می شود

طنین ساز و آهنگش

فریبی نیست

دُری آتشفشان می شود

عقاب زنده دل شکارِ شکاری نیست

به اوج آسمان پر می زند

نیلگون

نیلگون

همه جا رنگ آبی دارد

برگ خشک را به باد ندهید

توفان هر خس و خاشاک را از منقار لاشخور به هوا می کند

باد تندی پر از خاک نباشید

دیوانه وار پر زنید با آب باران

این حباب می ترکد

صدای انفجار خاموش می شود

گر از خون ما

نقاشی

خطاطی

قلم بدستی

اگر او را احساس درونش زجر دهد

نوشته می کنند

میناتوری می کشند

خط می کشند

و

آزادی

آزادی

## رگهای بیمار

رگهای بیمار

درهای بسته

تقارن نکبت ترین های خبط ترین قطره های باران

و هار ترین مغزگرانمایه ها

تکوین گراین هست و بود است

تلاطم زمستان با بهمنش یخ بسته

از بهار خبری نیست

از دیوارهای شکسته مغزشان به نظاره نشسته اند

من و تور را

آب های سرد دشنام داده گان عشق را

فریادهای گرسنه ها را

جان باختگان این وطن را

قیم شده اند

به تارج گاهی جشن شراب و کباب ، مستی می کنند

این منم که ممیرم

این توای که از فریادت خبری نیست

این شب است که ماتم سراسر است

آنان به کاخ و زر فرو رفته اند

آنان همه را زگریانش تا کف پا

خاک وطن را

جیهون و چمن را

به ارباب فتنه گر فروخته اند

این منم که باید مشتم را فریاد کنم

این توی که خشم را انفجاردهی

مردم!

آوای آزادی سر دهید

این خاک از من وتوست

حق ماست

زندگی کنیم

آزاد

آزاد

آزاد



## کارگر

کارگر ای شعله های خشم کین  
میخ کوبنده به چشم ظالمین  
تاریکی ات تا طلوع آفتاب  
خیز و برکن ریشه این ظلم و کین  
کارگر تو روشنگر راه مان  
افتخارت نسل های مردمین  
افتخارت بهر ماست ای کارگر  
پس بیبا با رزم های پر برین  
بر کنیم این ریشه های ظلم را  
تارو پود سازیم موج ظلم و کین  
گر رسیم بر موج های این دیار  
لیک باید رفت به سوی عالمین  
دیده ام من روشنایی در افق  
تا رسیم بر کوه های پر زرین  
بر کنیم این ظلم استبداد را  
تا بسازیم قلب های مهترین  
پس بیبا با من و ما ای کارگر  
تا بسازیم یک نظام برترین  
تا بسازیم موج های پر طرب  
خیز با عزم به سوی خاینین  
کوه ها و دشت و دامان لاله است  
کارگر بر خیز ازین خواب هزین  
بر خیزید با رزم های استوار  
اقتدار و استوار است، رزم های آهنین  
دیده ام من آبله دست تو  
چون بسازی خاک های چند قرین  
شب و روز در جستجوی کار و کار  
لیک کار نیست در این سرزمین  
پس بیبا ای کارگر با انقلاب  
انقلاب تنها دلیل یک مسیری نوین  
انقلاب است آن مسیر و راه ما  
تا بسازد نسل های سرزمین  
انقلاب است آن فروغ فخرزا  
تا چکاند ابر و تیری بر جبین  
تا چکد ابر سیاه آسمان  
تا شکافت قلب های کین و کین  
ماستیم آن فایزان زنده گی  
ماستیم آن کوبه ی مرمین  
آن که سازد میهن خویش ماستیم  
ماستیم آن گشنه های اخترین





**بیا بنگر! چگونه باید زیست و چه باید کرد!**

بیا بنگر!

بر این فصل زمستان

بر این سردی بی پایان

بیا بنگر بر این فصل پر از درد

که زمین را کرده سرد

درختان را کرده خشک

و هر آنچه برگ است در زمین فرو ریختانده

بین!

از آسمان باران جاریست

این باران، همان باران غم است

که در این وادی بی پایان و اندوهگین

سرازیر گشته است!!

همه جا را باران گرفته...!

همه دلها را سرد و پریشان کرده!

ولی من

از باران ترسی ندارم

از این سردی بی پایان، ترسی ندارم

ترس من آری از آن است!

از بی تفاوتی های هم نسلان من!

که غم خوردن، پریشان شدن و آنگاه بی اختیار گریه کردن

و از همدردی مشترک اباء ورزیدن

بیا بنگر!

هم نسل من، خواب است

جوان است و به رویش نمی آورد!

ولی این خواب، همان خواب غفلت است!

که همه در فکر و هوش آن غرق شدند

در عیش و نوش آن آمیخته شدند

نمیدانند زندگی چیست؟

مرام چیست؟

هدف چیست؟

در زندگی روان اند یا که نه!

از این کاروان عقب ماندند یا که نه!

ولی این زندگی

چسان در گذر است که فکرش بر عقل نمیرسد؟!

پس چرا این گذر را بیهوده سازیم؟

چرا در آن سودی نجوئیم؟

چرا آنرا به نفع خویش تمام نکنیم؟!

به نفع خود، به نفع مردم خود، به نفع کشور خود!

آینده همان لحظه یی است

که چند ثانیه بعد در گذر است

چرا از خواب غفلت بیدار نشویم؟؟

چرا در بیداری اذهان به جستجوی مرام نباشیم؟؟

چرا سالهای عمر خویش را بیهوده سازیم؟؟

چرا بر زندگی پیروز نگردیم و مغلوبش کنیم؟!

چرا عمر خویش را با افتخار، تمام نکنیم؟؟

تا بر قله های بلند

موجی از عشق بر پا کنیم!

تا آینده را بهتر از امروز سازیم!

و امروز را بهتر از دیروز!

تاکه نام مان جاویدان بماند بر زمین!!

و این زمین جای امنی شود برای هزاران هم نسل من!!

پس از خواب غفلت بیدار شو!

هم نسل من!

بیا بنگر! چگونه باید زیست و چه باید کرد!



**سیاست را بر سایر امور مقدم بشماریم**

..... در وضعیت فلاکتبار و دردانگیز کنونی کشور، جوانان، به ویژه جوانان متعلق به طبقات و اقشار پائینی جامعه، یکی از آن بخش های جامعه محسوب میشوند که به شدت آسیب و بینند. این نیروی اجتماعی همچون گوشت دم توپ در جنگ تجاوزکارانه امپریالیست ها و دست نشانندگان شان مورد استفاده قرار میگیرد و بخاطر تامین اهداف و مقاصد ضد ملی و ضد مردی آنان قربانی میشود. در افغانستان تحت اشغال و فاقد استقلال، جوانان کشور در بی سرنوشتی و بی آیندگی فوق العاده شدیدی به سرفی برند. بیکاری و فقر، محرومیت از تعلیم و تحصیل، آوارگی و بی خانمانی عوامل دیگری اند که زندگی پر درد ورنج کنونی جوانان افغانستان را رقمی زنند.

جوانان یکی از بخش های حساس جامعه محسوب میشوند و در مسیر تغییرات و تحولات اجتماعی به سرعت به حرکت در می آیند. آنها حامل نیروی عظیم مبارزاتی اند که اگر آگاهانه با سائر قشرها و طبقات تحتانی و زحمتکش جامعه در آمیزند، تبدیل به انبار باروت آماده به انفجار می شوند و خرمن هستی امپریالیست ها و مرتجعین را به آتش می کشند. بسیج وسیع جوانان در مقاومت ملی، مردی و انقلابی یکی از آن وظایف تخطی ناپذیر ملی مردی و انقلابی به شمار می رود که اجرای اصولی آن، نظام مستعمراتی - نیمه فئودالی حاکم را در معرض نابودی قرار می دهد.

در شرایط امروزی نیاز شدیدی برای برپایی جنبش وسیع ملی مردی و انقلابی جوانان وجود دارد. باید تمامی جویارهای نارضایتی و خشم آنان به حرکت در آیند و سمت و سوی واحدی بیابند، تا قوت عظیم مبارزاتی شان در پیوند با کل مقاومت ملی مردی و انقلابی خلق های زحمتکش کشور و به مثابه بخشی از این سیلاب سهمگین، به حرکت در آید و بردهای اشغالگران و دست نشانندگان شان، یورش برد و ویران شان سازد....

پلاتفرم مبارزاتی

"جنبش انقلابی جوانان افغانستان"

(۱۳ دلو ۱۳۸۴)

- ۲۴ گوشه‌هایی از فسادهای گسترده در مجلس نمایندگان
- ۲۵ نقد فیلم سینمایی «ماشین جنگی»  
محصول سال ۲۰۱۷ شرکت فیلم سازی نیت فلکس امریکا
- ۲۹ درگذشت یک تن از مبارزین کهن سال کشور



**زنده یاد انجنیر غلام سرور**

ششم‌جدی، سالروز تجاوز سوسیال امپریالیست‌های شوروی را تقبیح کنیم و مقاومت ملی مردمی و انقلابی خود را علیه اشغالگران امپریالیست کنونی و رژیم دست نشانده و اشغالگران مرتجع داعشی حدت بخشیم!

۳۰

تو بدان که این غریو (شعری از جرئت)

۳۱

رگهای بیمار (شعری از جرئت)

۳۲

کارگر (شعری از سیروس)

۳۳

بیا بنگر، چگونه باید زیست و چه باید کرد!! (شعری از سیروس)

۳۴

**نشانی های جنبش انقلابی جوانان افغانستان**

[www.afghanistanrmy.org](http://www.afghanistanrmy.org)

پست الکترونیکی (ایمل)

[jawanaan@gmail.com](mailto:jawanaan@gmail.com)